

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴

راهبردهای اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار

جواد منزوی بزرگی*

سجاد حبیبیان**

چکیده

با غیبت امام دوازدهم، شیعیان، مسلمانان و همه مردم جهان دچار محرومیتی جانکاه و عمیق شدند. شیعه در این عصر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود برای خروج از این محرومیت، چشم به راه موعود و عصر ظهور، به انتظار ایستاده است؛ انتظاری که بار سنگین رسالت زمینه‌سازی برای ظهور را با خود به همراه داشت. آمادگی و زمینه‌سازی برای همه خوبی‌ها نیازمند ارائه راهبردهای اصولی است که در یک جامعه منتظر توسط کارگزاران برای زمینه‌سازی ظهور و الگو قرار گرفتن سایر ملل مسلمان، باید بر پایه دکتترین مهدویت ارائه کنند که در این میان، نقش راهبردهای اخلاقی بسیار مهم و اساسی است؛ چرا که امروزه موضوع اخلاق، توجه زیادی را در سراسر جامعه به خود معطوف کرده است. دلیل این توجه، دو نشانه بارز است؛ نخست، نقش مهم و پرمعنای رفتار اخلاقی در حفظ و بقا و زمینه‌سازی یک جامعه مدنی (جامعه منتظر) و دوم، وجود تعدادی پرشمار از نمونه‌های رفتار ضد اخلاقی. بنابراین برای درک هر پدیده باید به اصل و اساس آن پدیده پی برد و در آن اندیشید.

* دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (j.monzavi@sndu.ac.ir).

** کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه شاهد.

موضوع اخلاق انسانی در هر جامعه، دارای معنایی متفاوت است. از سوی دیگر، اخلاق کارگزاران در نظام اسلامی - در عصر انتظار - با اخلاق کارگزاری در دیگر نظام‌ها تفاوت جوهری دارد؛ زیرا در نظام‌های سرمایه‌سالار، معیار اصلی، دستیابی به سود و لذت است؛ اما در نظام الهی و در عصر انتظار، سود و لذت محور نیست، بلکه سنتی الهی و اصول ارزشی و متعالی، محور و مبنا شمرده می‌شود و کارگزار ابزاری برای تحقق عدالت، معنویت و سعادت است که این، نوعی امانت‌داری به شمار می‌رود. از این رو معطوف به زمینه‌سازی در عصر انتظار است و طبیعتاً کارگزار باید شایسته‌ترین باشد. شاخص‌های اخلاقی کارگزاران زمینه‌ساز، می‌تواند امر مهم یادشده را برآورده سازد.

این نوشتار، جایگاه ویژه اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار و تحقق حکومت جهانی را با استفاده از مبانی موجود در اندیشه‌های اسلامی و بر مبنای مدل تعیین راهبرد SWOT تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

اخلاق، اخلاق کارگزاران، انتظار، عصر انتظار، زمینه‌سازی، حکومت جهانی، SWOT.

مقدمه

اخلاقیات و اصول اخلاقی از جمله مباحثی است که اسلام بر به‌کارگیری آن در جامعه تأکید دارد؛ به طوری که رسول خدا ﷺ هدف از رسالت خویش را به کمال رساندن مکارم اخلاقی معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۸، ۳۸۲). این کلام مهم پیامبر اکرم ﷺ نشان دهنده اهمیت اخلاق در دین اسلام و تعمیم آن در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی از جمله سیاست است. به تعبیر مصطلح در حوزه فلسفه علم، پارادایم حاکم بر کلیه احکام و شئون رفتاری در اسلام در ملاحظه اخلاق و مکارم اخلاقی قابل ردیابی است. موفقیت یک نظام سیاسی به ایجاد زمینه‌های کافی برای پیشرفت علمی و تکامل اخلاقی جامعه بستگی دارد تا جامعه از پویایی و نشاط از یک طرف و تعهد و صداقت از طرف دیگر برخوردار باشد و تجمل‌گرایی، رفاه‌زدگی و فساد اخلاقی موجبات زوال نظام سیاسی اجتماعی را فراهم نکند. در این باره، پیشرفت علمی و فتح قله کمال و نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی و انسانی به صورت هم‌زمان، از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه انسانی در عصر ظهور است؛ به این معنا که

هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و دیگر موضوعات مورد پژوهش صرفاً با بار مادی و اهداف و مقاصد دنیوی انجام نمی‌شوند، بلکه اهتمام به هر دو بُعد مادی و معنوی در دستور کار است و در نهایت، مطالعات هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه در راستای خداشناسی و خودسازی قرار خواهند گرفت. برآیند چنین تحولی، جامعه‌ای توسعه‌یافته و در عین حال اخلاق‌مدار خواهد بود. امام باقر در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ يَدُهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُثُوبَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛ (همو: ج ۵۲، ۳۳۶)

هنگامی که قائم ما قیام کند، [به تأیید الهی] نیروهای عقلانی مردم را تمرکز می‌بخشد و اخلاقشان را به کمال می‌رساند.

در بیان امام، به شکوفایی عقل و کمال اخلاقی در عصر ظهور توجه شده است. در واقع، بلوغ فکری و عقلانی بشر جدا از ارزش‌های اخلاقی و انسانی و رفتار مطابق فطرت انسانی و خردپسند معنا ندارد. بنابراین، از ویژگی‌های شهروندان حاکمیت جهانی اسلام، بلوغ و رشد متوازن علمی، اخلاقی و عقلانی است. جالب توجه این است که بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام پیشرفت علم در عصر ظهور هرگز با دوران پیش از ظهور قابل قیاس نیست. وقتی امام این فاصله را در قالب اعداد و ارقام بیان می‌کند، متوجه می‌شویم که شکوفایی علم در دوره آرمانی بشر، خیره‌کننده است و به سادگی قابل تصور نیست. در روایت مورد نظر چنین آمده است:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْحَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا. (همو: ج ۵۲، ۲۳۶)

اخلاق کارگزاران در اسلام جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که اسلام از پیوند آشتی‌جویانه اخلاق و سیاست دم می‌زند و همواره در پی ارائه راهبرد به سیاستمداران است (خراسانی، ۱۳۸۳: ۲۰۹). برخورد خشن با مردم و تحکم و تکبر در برابر آنان و پاسخ منفی به درخواست‌های مشروعشان، از اخلاق زمینه‌ساز اسلامی به دور است. در اخلاق زمینه‌ساز، حاکم و کارگزار همچون پدری مهربان است که باید با فرزندان خویش، محبت‌آمیز رفتار کند. تشویق و تنبیه فرزندان، برای تربیت درست و رشد و تعالی آن‌هاست. در این عصر حکومت، امانتی در دست کارگزار است که باید به خوبی آن را پاس داشته و ابزاری برای گسترش عدل و حق قرار دهد و آن را به دست

صاحبش برساند؛ نه آن‌که وسیله‌ای برای تسلط بر مردم و غارت اموال عمومی قرار گیرد و این در صورتی میسر است که کارگزاران حکومت از سیرت و اخلاق شایسته و پسندیده برخوردار باشند (ذاکری، ۱۳۸۱: ۱). مراد از اخلاق کارگزاران، به بازی گرفته شدن اخلاق از سوی سیاستمداران یا سیاسی کردن اخلاق نیست؛ بلکه مراد، اخلاقی کردن سیاست یا تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بر پایه اخلاق مبتنی بر عدالت و زمینه‌ساز است (رنجبر، ۱۳۸۱: ۱۴).

تعریف واژگان

اخلاق: در **فرهنگ معین** اخلاق به معنای خلق و خوی‌ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی و نیز به عنوان یکی از شعب حکمت عملی خوانده شده و آمده است که اخلاق، دانش بد و نیک خوی‌ها و تدبیر انسان برای نفس خود یا یک تن خاص است (معین، ۱۳۷۱: ۱۷۴).

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است. به گفته‌ی راغب اصفهانی در کتاب **مفردات**، این دو واژه در اصل به یک ریشه بازمی‌گردند. «خُلُق» به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و «خُلُق» به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت اخلاق، مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته‌ی برخی دانشمندان، گاه به اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۴).

حکومت: مجموعه نهادهایی هستند که در یک پیوند و ارتباط تعریف شده با یکدیگر در یک سرزمین مشخص و بر اجتماع انسانی ساکن در آن، اعمال حاکمیت می‌کنند. گاه نیز حکومت به قدرت سیاسی منسجم و سازمان یافته‌ای که در شئون گوناگون اجتماعی تصمیم‌گیری و امر و نهی می‌کند، تعریف می‌شود (واعظی، ۱۳۸۱: ۳۱-۳۲). بر اساس این تعریف، حکومت، همه‌ی قوا اعم از مجریه، مقننه، قضاییه و قوای نظامی و انتظامی را دربر می‌گیرد (عالم، ۱۳۷۳: ۱۴۴-۱۴۹).

کارگزاران: کارگزار نماینده حاکم اسلامی است که مسئولیت‌هایی را از طرف وی در امور اجتماعی، سیاسی و نظامی عهده‌دار می‌شود. از این رو باید امین حاکم اسلامی و مورد اطمینان وی باشد (ذاکری، ۱۳۸۱).

عصر انتظار: منظور از عصر انتظار، دوران غیبت کبرای منجی عالم بشریت است که اکنون ما نیز در این برهه زمانی قرار داریم. با توجه به آموزه‌های دینی، برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام

باید زمینه‌های لازم فراهم شود. از این رو در این نوشتار، باتوجه به گستردگی زمینه‌سازها، به یکی از آن‌ها به نام اخلاق - آن هم برای کارگزاران که در این باره نقشی مهم ایفا می‌کنند - پرداخته می‌شود.

زمینه‌سازی ظهور: زمینه‌سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور، به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد که امام بتواند حرکت خود را آغاز کند و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۲۰).

حکومت جهانی:^۱ حاکمیت بر جهان هستی، تنها از آن خداست. در واقع، اراده الهی بر سراسر گیتی حاکم و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. به بیان دیگر، جهان و تمامی ارکان و عناصرش در ید قدرت لایزال الهی قرار دارد و هم اوست که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم می‌کند و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی این‌که خداوند سبحان، حاکمیت خویش را در تدبیر جامعه به انسان وا گذاشته که آن نیز تجلی اراده خداست. در حقیقت، حاکمیت خدا بر روی زمین به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود او را نیز امت به جایگاه و منصب رهبری می‌گزیند. در چنین نظامی، عقلانیت، معنویت و عدالت جامعه را به جهانی در مسیر کمال تبدیل می‌کند (عرفانی، ۱۳۸۶: ۹۴).

ادیان خصلتی جهانی دارند. پیام الهی به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، تمامی انسان‌ها را شامل می‌شود. تنوع ادیان آسمانی نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه به دلیل ویژگی‌های عصری آن‌هاست. پیام الهی واحد است؛ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و در نتیجه مخاطب آن نیز تمام انسان‌ها هستند. از این رو، مهدویت اسلامی نیز هرگز به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی تعلق ندارد و گستره جهانی تدبیر الهی برای تمامی انسان‌هاست (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۵).

پیشینه پژوهش

با توجه به این که موضوع محوری در این پژوهش، اخلاق زمینه‌ساز و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، به پیشینه تعدادی از پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که درباره این موضوع انجام شده‌اند.

1. Defense Intelligence

• پایان‌نامه‌ای با نام *بررسی اثربخشی مبحث اخلاق کارگزاران در دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت مدیریت پایه* توسط سادات بهشتی در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه آزاد واحد تهران انجام شد که در مجموع به نظر می‌رسد با وجود اظهار نظر شرکت‌کنندگان در آموزش اخلاق کارگزاران دوره مدیریت پایه و مدیران مافوق آنان - مبنی بر این که شرکت در این نوع کلاس‌ها قطعاً در مسائل رفتاری کارکنان تأثیر دارد - انجام تغییر در چگونگی اجرای آموزش به خصوص از جهت محتوا و انتخاب اساتید، اجتناب‌ناپذیر است؛ چنان که به تازگی در محتوای مبحث اخلاق کارگزاران دوره توجیهی مدیران پایه، تغییر حاصل شده و با نام «آشنایی با بینش‌های الهی، روحیات معنوی، فضیلت‌های اخلاقی و شایستگی‌های رفتاری» تدریس می‌شود.

• پژوهشی با نام «اخلاق سیاسی - اجتماعی کارگزاران در نهج البلاغه» توسط خدیجه احمدمهرابی در سال ۱۳۷۹ انجام شد. در این پژوهش، شمه‌ای از توصیه‌های امیر مؤمنان علیه السلام درباره اخلاق سیاسی - اجتماعی به کارگزاران مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله راهکارهای معنوی، دوری از خشم، ساده‌زیستی، عدم رفاه‌زدگی، عدالت و اخلاق عمومی و در آخر نیز عملکرد امام در برخورد با کارگزاران خیانتکار مطرح شده است و هدف اصلی، بیان اهمیت رفتار و عملکرد افرادی است که حکومت مردم را به عهده می‌گیرند و مسئول جان، مال و آبروی مردم می‌شوند.

• پژوهشی با نام «دستورات اخلاقی امیر المؤمنین علی علیه السلام به کارگزاران» توسط مهرناز دنبلی در سال ۱۳۸۱ انجام گرفت. رساله مورد بحث در بردارنده رهنمودهای ارجمند اخلاقی و رفتاری امیر مؤمنان علی علیه السلام به کارگزاران مختلف حکومتی است. رهنمودهای امام درباره اخلاق کارگزاران ریشه در فرهنگ قرآنی و سیره نبوی و در پی ادامه راه و هدف بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - به عنوان تکمیل‌کننده اخلاق - است. امام علی علیه السلام تهذیب جامعه در همه ابعاد، به ویژه اخلاقی را سرلوحه برنامه حکومتی خویش قرار داده است. از این رو به تهذیب اخلاق کارگزاران حکومت توجه خاص مبذول می‌دارد. از نظر امام علی علیه السلام کارگزار حکومت دینی باید رابط خود با نفس خویش، با خداوند، زیردستان، مافوق، مسئولان هم‌تراز خود و با مردم را بر اساس آموزه‌های دین و عقل سالم، تنظیم کند. بخشی از دستوره‌های اخلاقی امام به کارگزاران - مانند تقوا، عدالت، رعایت حقوق و ... - جنبه محوری دارد و همه آنان را دربر می‌گیرد. دیگر آن که فضایل اخلاقی دیگری همچون مهرورزی و محبت به دیگران، دل‌جویی، پوشاندن عیوب مردم و ... از لوازم دین و فضایل به شمار می‌آیند و بخشی از دستوره‌های اخلاقی امام - مانند

مسائل اخلاقی که مربوط به والیان، مالیات گیرندگان، دادرسان و قوای مسلح است - طبقه‌ای خاص از کارگزاران را شامل می‌شود. حاکم باید بر تمام شئون کارگزاران خود به‌ویژه در حوزه اخلاقی، نظارتی مستمر و همه‌جانبه اعمال کند و برای تقویت شایستگی‌ها و از بین بردن کاستی‌های آنان گام‌هایی مؤثر بردارد که زمینه‌های دسترسی به اهداف عالی حکومتی فراهم شود.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تدوین و ارائه راهبردهای اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در حکومت جهانی است که به همین منظور با فهرست کردن عوامل و ضعف، تهدید، فرصت و قوت‌های موجود، به تدوین راهبردهای اخلاقی زمینه‌ساز پرداخته شده است. گفتنی است در این پژوهش، تلاش شده است به مباحث اخلاقی موجود در متون دینی و در اندیشه‌های بزرگان به عنوان یک قوت و فرصت جدی پرداخته شود.

پرسش‌های اصلی و فرعی و روش پژوهش

پرسش اصلی در پژوهش این است که راهبردهای اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار چیست؟

پرسش‌های فرعی نیز عبارت‌اند از:

۱. ضعف‌های اخلاقی موجود در کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار کدام‌اند؟

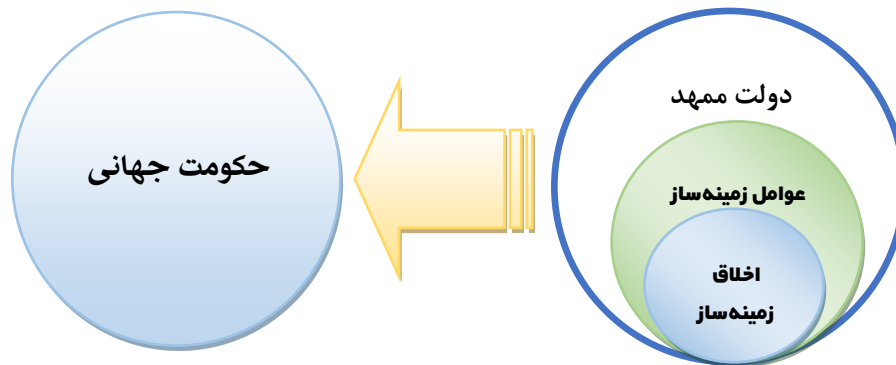
۲. قوت‌های اخلاقی موجود در کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار چیست؟

۳. فرصت‌های اخلاقی موجود در جامعه در زمینه اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار کدام‌اند؟

۴. تهدیدهای اخلاقی موجود در جامعه در زمینه اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار چیست؟

۵. راهبردهای موجود برای رسیدن به اخلاق ایده‌آل کارگزاران زمینه‌ساز در عصر انتظار کدام‌اند؟

این نوشتار، بر اساس روش پیمایشی و کتابخانه‌ای و با گردآوری اطلاعات از آیات، احادیث، کتب و توزیع پرسش‌نامه صورت پذیرفته است.



ادبیات تحقیق

درباره اخلاق و سیاست، چهار دیدگاه وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. نظریه جدایی اخلاق از سیاست

گوه‌ر اصلی این نظریه آن است که باید میان قواعد اخلاق و الزامات سیاست تفاوت قائل شد و براساس واقعیت و با در نظر گرفتن منافع و مصالح، به اقدام سیاسی دست زد. از این منظر، سیاست چیزی جز عرصه‌ای برای کسب، توسعه و حفظ قدرت نیست و این‌ها تنها با فدا کردن اصول اخلاقی حاصل می‌شود.

توسیدید،^۱ - سردار نظامی و مورخ یونانی قرن پنجم پیش از میلاد - نتیجه مشاهدات و تأملات خود را در کتابی با نام *تاریخ جنگ پلپونزی* به یادگار گذاشته است. وی در این کتاب به صراحت از جدایی اخلاق از سیاست دفاع می‌کند (توسیدید، ۱۳۷۷: ۳۳۹).

آموزه جدایی اخلاق از سیاست، نزد ماکیاولی گونه‌ای صریح‌تر به خود می‌گیرد. این متفکر در نوشته مشهور خود - *شهریار* - بر نظریه جدایی اخلاق از سیاست تأثیر گذاشته است. اگرچه ماکیاولی اخلاق را لازمه زندگی افراد می‌داند، اما پای‌بندی به آن را برای شهریار خطرناک می‌شمارد و از خطر تقوا بر حذر می‌دارد و می‌گوید:

هر کس بخواهد در همه حال پرهیزگار باشد، در میان این همه ناپرهیزگاری سرنوشتی جز ناکامی نخواهد داشت. از این‌رو شهریاری که بخواهد شهریاری را از کف ندهد، می‌باید شیوه‌های ناپرهیزگاری را بیاموزد و هر جا که نیاز باشد به کار بندد. (ماکیاولی،

1. Thucydides

۲. نظریه اخلاق دوسطحی

این دیدگاه که اخلاق دوآلیستی یا دوگانه نیز نامیده می‌شود، کوششی برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و پذیرش پاره‌ای اصول اخلاقی در سیاست است. بر اساس این دیدگاه، اخلاق را باید در دو سطح فردی و اجتماعی بررسی کرد. گرچه این دو سطح مشترکاتی دارند، لزوماً آن‌چه را که در سطح فردی اخلاقی است، نمی‌توان در سطح اجتماعی نیز اخلاقی دانست؛ برای مثال، فداکاری از فرد، حرکتی مطلوب و اخلاقی قلمداد می‌شود، حال آن‌که فداکاری از دولت به سود دولت دیگر چون برخلاف مصالح ملی است، چندان اخلاقی نیست. از این منظر، اخلاق فردی بر اساس معیارهای مطلق اخلاقی سنجیده می‌شود، در صورتی که اخلاق اجتماعی تابع مصالح و منافع ملی است.

بنابراین نتیجه چنین نظریه‌ای، پذیرش دو نظام اخلاقی مجزاست. انسان به عنوان فرد، تابع یک نظام اخلاقی است، حال آن‌که اجتماع، نظام اخلاقی دیگری دارد. اصول این دو اخلاق نیز می‌توانند با یکدیگر متعارض باشند؛ برای مثال، افلاطون دروغ گفتن را برای فرد مجاز نمی‌داند و دروغ‌گویی فردی را قابل مجازات می‌شمارد، حال آن‌که معتقد است حاکمان، حق دروغ گفتن را دارند و می‌گویند:

اگر دروغ گفتن برای کسی مجاز باشد، فقط برای زمامداران شهر است. (افلاطون، ۱۳۷۴: ۱۵۲-۱۵۳)

برتراند راسل نیز به چنین دوگانگی در اخلاق معتقد است و خاستگاه اخلاق فردی را باورهای دینی و رشد اخلاق مدنی را آموزه‌های سیاسی می‌داند و می‌گوید:

بدون اخلاق مدنی، جامعه قادر به ادامه زندگی نیست؛ بدون اخلاق شخصی، بقای آن ارزش ندارد. بنابراین برای این‌که جهان، خوب و خواستنی باشد، وجود اخلاق مدنی و شخصی، هردو، ضروری است. (راسل: ۱۳۷۶: ۳۰۸)

البته آن‌چه راسل تحت عنوان «اخلاق اجتماعی» مطرح می‌کند و وجودش را برای بقای جامعه ضروری می‌شمارد، بیشتر همان قواعدی است که اغلب برای حسن اداره جامعه وضع می‌شود، نه اخلاق به معنای مجموعه قواعد رفتاری مبتنی بر ارزش‌ها. مارتین لوتر - بنیان‌گذار آیین پروتستانیسم - پل تیلیخ، راینهولد نیبو، ماکس وبر و هانس مورگنتا از طرفداران این دیدگاه به شمار می‌آیند (پونتارا، ۱۳۷۰: ۱۰۰-۱۰۱).

۳. نظریه اولویت سیاست بر اخلاق

بنیان این نظریه، در رویکرد مارکسیستی - لنینیستی به جامعه و تاریخ است. از منظر مارکسیستی، حیات اجتماعی متأثر از دو ساخت روبنا و زیربنا و... تأثیر می‌گذارد. بر این مبنا، سیاست، فرهنگ، اخلاق و... متأثر از طبقه حاکم شکل می‌گیرد و در سطح جامعه، بسط می‌یابد. بر اساس جامعه‌شناسی مارکسیسم - لنینیسم، برای به دست گرفتن قدرت به شیوه انقلابی، رعایت هیچ قید و بند و محدودیتی جایز نیست. از این گذشته اخلاق و حقیقت و امثال آن تنها پدیده‌های متفرع از منابع طبقاتی است که در عمل خشن انقلابی عینیت پیدا می‌کند (پولانی، ۱۳۷۶: ۲۲۳).

الگوی اولویت سیاست بر اخلاق، یعنی این‌که نه تنها سیاست موضوع هنجارگذاری نیست، بلکه خود سیاست و عمل سیاسی هنجارگذار است. بنابراین امر اخلاقی نه مقدم بر امر سیاسی، بلکه مؤخر بر آن است (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۷: ۳۹).

این الگو، در آرای متفکران غربی دیگر نیز قابل پی‌گیری است. هانا آرنت با تفکیک سه نوع فعالیت انسانی زحمت، کار و عمل، بالاترین فعالیت انسانی را «عمل» می‌داند که معطوف به حوزه عمومی است. از دیدگاه او، عمل سیاسی عالی‌ترین فعالیت بشری است، به گونه‌ای که هیچ غایتی، توان محصور کردن چنین تلاش بشری برای آزادی را ندارد (کرنستن، ۱۳۷۶: ۵۷۰-۵۷۳).

۴. نظریه یگانگی اخلاق و سیاست

بر اساس این نظریه، اخلاق و سیاست هر دو از شاخه‌های حکمت عملی و در پی تأمین سعادت انسان هستند، تا آن‌جا که بنابر دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، سیاست به عنوان فنی معرفی می‌شود که برای تحقق زندگی اخلاقی، پرداخته شده است (هانری دوفوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۶۱۳). این دیدگاه، نظام اخلاقی را در دو عرصه زندگی فردی و اجتماعی معتبر می‌شمارد و معتقد است هر آن‌چه در سطح فردی اخلاقی است، در سطح اجتماعی نیز چنین هست و هر آن‌چه در سطح فردی و برای افراد غیر اخلاقی باشد، در سطح اجتماعی و سیاسی و برای دولت مردان نیز غیر اخلاقی است؛ برای نمونه، اگر فریبکاری، در سطح افراد اعمال بدی است، برای حاکمیت نیز بد به شمار می‌رود. از این رو هیچ حکومتی نمی‌تواند در عرصه سیاست، خود را به ارتکاب اعمال غیر اخلاقی مجاز بداند و مدعی شود این کار لازمه سیاست

بوده است. کانت می‌کوشد این نظریه را بر اساس قاعده اخلاقی مطلق یا بایسته تأکیدی خود تبیین کند. از این منظر، تنها آن فعلی اخلاقی خواهد بود که عمومیت یافتن آن مشکلی ایجاد نکند و به اصطلاح خودشکن نباشد. طبق این اصل، برای نمونه، خشونت یا فریبکاری هنگامی اخلاقی است که به صورت قاعده‌ای عام درآید و در عین حال مشکلی پیش نیاورد. وی با اعتقاد به «سازگاری سیاست با اخلاق مطابق با مفهوم استعلایی حقوق عمومی»، این اصل را چنین به کار می‌گیرد: «هر ادعایی دربارهٔ برخورداری از یک حق، باید واجد صفت عمومیت باشد (کانت، ۱۳۸۰: ۱۲۰). از این رو هنگامی سیاستمداران را مجاز به عملی می‌توان دانست که پیشاپیش، این حق، برای همگان پذیرفته شده باشد (اسلامی، ۱۳۸۲: ۳۶۵-۴۱۲).

امیر مؤمنان علی علیه السلام مظهر اجرای چنین سیاستی در جهان اسلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌آید. آن حضرت با اعتقاد راسخ به این‌که سیاست باید اخلاقی باشد و مشروعیت خود را از اصول اخلاقی به دست آورد، هرگز از دایره اخلاق تخطی نکرد و به شکست ظاهری تن داد؛ اما اجازه نداد از نظر اصول اخلاقی مغلوب شود. زندگانی سراسر شکوه و رادمردی این بزرگ‌مرد، گویاتر از آن است که بخواهیم موارد عینیت اخلاق و سیاست را در آن نشان دهیم. در این جا به اختصار چند مورد را ذکر می‌کنیم که تنها بر اساس نظریه وحدانی اخلاق و سیاست قابل فهم و دفاع است و از منظر دوگانگی اخلاق و سیاست می‌توان بر آن خرده‌ها گرفت:

۱. امام علی علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله برخلاف انتظار بسیاری، از خلافت کنار گذاشته شد و در ماجرای - که زبازد خاص و عام است - دیگری زمامدار مسلمانان شد. ابوسفیان - که سیاست را از اخلاق جدا می‌دانست - به امام پیشنهاد داد با این خلافت نوپدید به ستیز برخیزد و خود تعهد کرد که سپاهیان در اختیارش قرار دهد؛ اما آن حضرت کسی نبود که بخواهد قدرت را از راه‌های غیر اخلاقی و بی‌رضایت عامه کسب کند. از این رو پیشنهاد او را رد کرد و مردم را به آرامش و مسالمت‌جویی دعوت نمود (شریف رضی، ۱۳۸۲: ۳۳، خ ۵).

۲. پس از کشته شدن عمر بن خطاب، برای تعیین خلیفه، شورایی شش نفره تشکیل شد و به امام پیشنهاد پذیرش خلافت را دادند، مشروط بر آن‌که به سنت شیخین (ابوبکر و عمر) رفتار کند؛ اما ایشان نپذیرفت و حاضر نشد دروغی مصلحت‌آمیز بگوید و قدرت را به شکلی غیر اخلاقی به دست آورد (محمودی، بی‌تا: ج ۱، ۱۴۳).

۳. در جریان شورش برضد عثمان و محاصره خانه‌اش، انتظار می‌رفت امام از این فرصت نهایت استفاده را ببرد و خلافت را به چنگ آورد، اما ایشان از وضع پیش آمده استقبال نکرد و کوشید و ساطت کند و مردم را به آرامش و عثمان را به اتخاذ سیاست صحیح دعوت نماید و در این راه چندان پیش رفت و از عثمان دفاع کرد که خود به ابن عباس فرمود:

به خدا قسم، تا آن حد از او دفاع کردم که ترسیدم در این کار گناهکار باشم. (شریف رضی، ۱۳۸۲: ۲۶۲، ج ۲۳۶)

۴. هنگامی که همه مردم با آن حضرت بیعت کردند و ایشان را به خلافت برگزیدند، لحظه‌ای در برکناری کارگزاران خلیفه پیشین - که آنان را ناصالح و حق‌گش می‌دانست - درنگ نکرد و توصیه‌های ابن عباس و مغیره بن شعبه را درباره حفظ موقت و حذف تدریجی آنان پس از تثبیت موقعیت خود نپذیرفت (الزین، ۱۹۹۴: ۶۶). وقتی به آن حضرت پیشنهاد شد طلحه و زبیر را در قدرت شریک سازد و با سپردن کوفه و بصره به آنان، هواخواهی‌شان را جلب کند - کاری که آن را هر واقع‌گرای سیاسی تجویز می‌کرد و لازم می‌شمرد - از پذیرش این خواسته نابجا سر باز زد (همو).

بدین ترتیب، حکومت امام علی علیه السلام که در صورت پاره‌ای مصلحت‌اندیشی‌ها و آسان‌گیری در اصول اخلاقی می‌توانست سال‌ها ادامه یابد، بیش از پنج سال تداوم نیافت؛ اما این حکومت بذر نظریه اخلاقی دولت را در سرزمین اندیشه‌ها پاشید و در طول تاریخ، صدها نهضت بر اساس آن شکل گرفت و همچنان تا امروز مقیاسی برای ارزیابی و سنجش اصول اخلاقی دولت‌ها به شمار می‌رود و این است پیروزی حقیقی این دیدگاه که هر چه زمان می‌گذرد، حقانیت آن آشکارتر می‌شود. این نوع اخلاق کارگزاران، اخلاق زمینه‌ساز به شمار می‌رود (اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۸۵ - ۱۹۶؛ ایوب، ۱۳۷۸: ۵۸۸-۵۹۳).

مفهوم زمینه‌سازی ظهور

حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی است و برای زمینه‌سازی به چیزی بیش از روایات انتظار^۱ نیازی نیست. افزون بر این‌ها در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از واژه «یوطئون» از مصدر «وطأ» به معنای زمینه‌سازی استفاده شده است. زمینه‌سازی در لغت فارسی، به معنای

۱. افضل الاعمال انتظار الفرج؛ افضل جهاد امتی انتظار الفرج؛ ...

۲. یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه.

مقدمه چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است. اما در لغت عرب با توجه به ویژگی لغوی «وطأ»، نه هر زمینه سازی، بلکه زمینه های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار ساختن و بر آن تسلط داشتن است. ظهور در این جا در برابر غیبت به معنای آشکار شدن امام است (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۶۰).

امکان زمینه سازی (نقش انسان ها در زمینه سازی ظهور)

آیا اصولاً زمینه سازی برای ظهور و تسریع در آن و جلو انداختن فرج امام عصر علیه السلام امکان دارد یا این که فرج حضرت همچون پدیده قیامت، امری است که تلاش انسان ها و اراده و اختیار آنان در تسریع و تأخیر آن بی تأثیر است؟

مبنای کلامی و بسیاری از آیات و روایات - که به برخی از آن ها شد - به روشنی بر تأثیر انسان ها در تحول وضعیت خود و تغییر جوامع دلالت دارند. از این رو، می توان ادعا کرد ظهور امری است تحصیلی و نه حصولی. به عبارت روشن تر، تلاش انسان ها و اراده و اختیار آن ها در تحقق ظهور تنها مسئله ای تأثیر گذار است و هرچه تلاش بیشتر و آمادگی زودتری به دست آید، ظهور نیز زودتر رخ می دهد، نه آن که تلاش کردن یا تلاش نکردن انسان ها در ظهور هرگز تأثیر گذار نباشد و ظهور، مانند قیامت باشد که در زمانی معین و بدون دخالت و تلاش انسان ها اتفاق خواهد افتاد. از این رو، نه تنها زمینه سازی ظهور امکان دارد، بلکه شیعیان در تعجیل و تحقق آن تأثیری اساسی و بی بدیل دارند و به آن مکلف اند. در قرآن کریم می خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾؛ (رعد: ۱۱)

همانا خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی دهد، مگر آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾؛ (اعراف: ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آورند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

يُخْرِجُ نَاسًا مِّنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَهُ لِمَهْدِي سُلْطَانِهِ؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۳)

گروهی از مشرق زمین (ایران) به پاخاسته و زمینه ساز حکومت مهدی می شوند.

زمینه های تکمیل دولت کریمه مهدی موعود علیه السلام نه به یک باره، بلکه به تدریج فراهم

می‌شود. از سوی دیگر، روشن است که همه تحولات اجتماعی از علل و اسباب خاص خودش ناشی می‌شود و قانون علیت بر این تحولات نیز حاکم است. بنابراین، برای برپایی چنان تحول عظیمی باید زمینه‌های اجتماعی و علل سیاسی آن را به تدریج فراهم کرد. اگر قائل شویم که انتظار، مسئولیت‌آفرین است، بنابراین همان‌گونه که هر فرد منتظر باید صلاحیت‌های فردی و شخصی را در خود ایجاد کند، کارگزاران نیز باید زمینه‌های اجتماعی و سیاسی را در حد مسئولیت و مدیریت خود فراهم آورند (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۵۵).

مؤلفه‌های اخلاقی زمینه‌ساز

با توجه به این که در عصر انتظار باید شاخص‌ها، مبنای کارگزاران قرار گیرند، در این پژوهش، اخلاق حکومت حضرت امیر علیه السلام، مبنای اخلاق کارگزاران عصر انتظار پیشنهاد می‌شود. در سیره سیاسی علی علیه السلام مؤلفه‌های درآمیختگی اخلاق و سیاست و استفاده از سیاست اخلاقی در حکمرانی قابل مشاهده و ردیابی است که در این مقوله به ذکر مختصر برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها بسنده می‌کنیم. مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امیرمؤمنان علیه السلام عبارت‌اند از:

۱. لزوم پرهیز از پیمان‌شکنی، فریبکاری و خیانتکاری در سیاست

از عمده‌ترین مسائل مدیریت، پای‌بندی به عهد و پیمان است؛ زیرا اساس روابط انسانی و مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بسته به عهد و پیمان‌هاست و در صورت تزلزل در آن‌ها، این روابط و مناسبات متزلزل می‌شود و بی‌اعتمادی جانشین اعتماد و هرج و مرج جایگزین نظم و سستی جانشین استواری می‌گردد. به تعبیر ابن طقطقی - دانشمند و مورخ برجسته - وفای به عهد، اساس آرامش قلب‌ها و اطمینان نفوس و اعتماد مردم به زمامدار است (قمی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۴۳).

در گفتار و کردار حضرت علی علیه السلام می‌بینیم که ایشان استفاده از این روش‌های غیراخلاقی را برای نیل به هدف مشروع نیز به کار نمی‌برد و استفاده از این روش‌ها را مجاز نمی‌دانست و مستوجب عذاب آخرت برمی‌شمرد.

گروهی در مقام اعتراض به آن حضرت می‌گویند: «ظاهراً معاویه در سیاست و حکمرانی و پیشبرد اهداف سیاسی، از شما باهوش‌تر و باکیاست‌تر است.» امام در پاسخ می‌فرماید:

به خدا سوگند معاویه از من زیرک‌تر نیست! او پیمان‌شکنی و گنهکاری (مکر و حيله)

می‌کند. اگر پیمان شکنی ناپسند و نامطلوب نبود، من زیرک‌ترین مردم می‌بودم؛ ولی پیمان شکنان گنهکارند و گناهکاران اهل فجور و نافرمانی. هر پیمان شکنی را روز قیامت پرچمی است که بدان شناخته می‌شود. (شریف رضی، ۱۳۸۲: ۲۳۳، خ ۱۹۷)

امیر مؤمنان علیه السلام در فرمان حکومتی و سیاسی خود به مالک اشتر می‌فرماید:

ای مالک! اگر میان خود و دشمن پیمان دوستی بستی و امانش دادی به عهد و پیمان خویش وفادار باش و امانی را که داده‌ای نیک رعایت نمای. در برابر پیمانی که بسته‌ای و امانی که داده‌ای خود را سپر ساز؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی که مردم با وجود اختلاف آرا و عقاید در آن هم داستان و هم رأی هستند، بزرگ‌تر از وفای به عهد و پیمان نیست. حتی مشرکان نیز وفای به عهد و پیمان را در میان خود لازم می‌شمردند؛ زیرا عواقب ناگوار غدر و پیمان شکنی را دریافته بودند. پس در آن چه بر عهده گرفته‌ای خیانت مکن و پیمانت را مشکن و دشمنت را به پیمان فریب مده؛ زیرا تنها انسان‌های نادان و شقی در برابر خداوند دلیری و گستاخی می‌کنند. خداوند عهد و پیمان خود را به سبب رحمت و محبتی که بر بندگان خود دارد، امان قرار داده و آن را حریمی ساخته که مردم در سایه استوار آن زندگی کنند و به جوار آن پناه آورند. پس نه خیانت را جایی برای خودنمایی است و نه فریب و حيله‌گری را. (همو: ۳۲۳، نامه ۵۳)

۲. لزوم پرهیز از کذب و وعده کذب

دیگر مؤلفه مهم در سیاست اخلاقی امیر مؤمنان علیه السلام ضرورت پرهیز از کذب و وعده‌های دروغین است. تمسک به دروغ‌گویی و استفاده ابزاری از وعده‌های کاذب برای پیشبرد اهداف و مقاصد حکومت، از ابزارهای متداول در حوزه عمل سیاسی و حکمرانی بوده است. تاریخ مشحون از به‌کارگیری این ابزار از سوی قدرت‌های حاکم جهت نیل به مقصود است. حضرت علی علیه السلام اذعان می‌دارد که هیچ‌گاه از چنین روشی استفاده نکرده و حتی هیچ سزای را جز اسرار جنگ که آن هم به مصلحت خود آنان بوده است، از آنان پنهان نکرده‌اند (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲). ایشان در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر می‌فرماید:

ای مالک! پرهیز از این که وعده دهی و خلاف آن عمل کنی؛ زیرا خلف وعده سبب برانگیختن خشم خدا و مردم می‌شود. خدای تعالی می‌فرماید: «خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویند و به‌جای نیاورید». (آیتی، ۱۳۷۶: ۳۳۵)

۳. مهربانی با مردم و تجسس نکردن در زندگی خصوصی آنان

مؤلفه سوم از سیاست امیر مؤمنان علیه السلام را در امر حکومت و کشورداری، در برخورد عطف‌آمیز

با همهٔ مردم - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - و تجسس نکردن در زندگی خصوصی آنان می‌توان دانست. تساهل و مدارا با مردم، وارد نشدن به حوزهٔ زندگی خصوصی و مستور داشتن معایب و لغزش‌های آنان و افشا نکردن معایب انسان‌ها از شاخص‌های بارز سیاست اخلاقی علی علیه السلام است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲). آن حضرت دربارهٔ رفتار محبت‌آمیز و همراه با تلافی نسبت به تمام مردم و پیروان ادیان مختلف، خطاب به کارگزار حکومتی خویش فرموده است:

ای مالک! قلب خود را از محبت به مردم و لطف و رحمت نسبت به آنان لبریز کن و همچون حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دوگروه‌اند؛ یا برادران دینی تو هستند و یا همانند تو در آفرینش. (شریف رضی، ۱۳۸۲: ۳۱۲، نامه ۵۳)

۴. پرهیز از غرور

از دیگر ویژگی‌های مهم سیاست اخلاقی امام علی علیه السلام - که خود نیز در دوران حکمرانی بدان ملتزم و پای‌بند بود - پرهیز و دوری از کبر و خودپسندی است. خودپسندی یکی از رذایل اخلاقی به شمار می‌رود که در سیاست منشأ آثار نامطلوبی است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲). بر همین اساس آن حضرت در فرمان حکومتی به مالک اشتر می‌فرماید:

ای مالک! از خودپسندی و از اعتماد به آن‌چه موجب عجب و خودپسندی شده و نیز از دل‌بستگی به ستایش و چرب‌زبانی‌های دیگران پرهیز کن؛ زیرا یکی از بهترین فرصت‌های شیطان برای تاختن است تا کردارهای نیکوی نیکوکاران را نابود سازد. (شریف رضی، ۱۳۸۲: ۳۲۴، نامه ۵۳)

۵. لزوم پرهیز از ستم به مردم

پنجمین مؤلفه از سیاست اخلاقی حضرت علی علیه السلام پرهیز از ستم و ظلم در ابعاد و اشکال گوناگون آن است. ظلم به معنای تعدی از حدود است. به تعبیر برخی از بزرگان، این معنای عام از ظلم، انواع رذایل و ارتکاب انواع افعال زشت عقلی و شرعی را دربر می‌گیرد. این برداشت مبین ظلم بالمعنی اعم است (نراقی، ۱۳۷۶: ۴۷۵). ظلم به معنای اخص، شامل اضرار به غیر و ایدای بندگان خدا در مراتب مختلف است. کشتن، تصرف ناروا و غیرشرعی در اموال، مضروب کردن، ناسزاگفتن و حتی غیبت کردن، از مصادیق ستم به غیر شمرده شده است. قرآن مجید در آیات متعددی از فرجام دهشتناک ظلم سخن می‌گوید؛ از جمله در سوره ابراهیم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾

(ابراهیم: ۴۲)

گمان مبر که پروردگار از کرده ستمکاران غافل است. این مهلتی که به آنان داده، به سبب آن است که عذاب و کیفر عملشان را به روزی موکول کند که در آن، چشم‌ها از گردش بازماند.

امام علی علیه السلام ظلم را به سه نوع تقسیم می‌کند و می‌فرماید:

بدانید که ظلم را سه گونه است: ظلمی که آمرزیده نشود و ظلمی که بازخواست گردد و ظلمی که بخشوده است و بازخواست نشود. ظلم و ستمی که آمرزیده نشود شرک به خداوند است. خداوند [در قرآن مجید] می‌فرماید: خدا نمی‌آمرزد کسی را که به او شرک ورزیده باشد. ظلمی که آمرزیده شود ظلم بنده است به خود با ارتکاب برخی کارهای ناشایست و ظلمی که بازخواست می‌گردد ظلم کردن بندگان خدا به یکدیگر است. (شریف رضی، ۱۳۸۲: ۱۸۵، ج ۱۷۳)

امام علی علیه السلام در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر، استاندار و والی خویش را به شدت از ظلم و ستم نهی می‌کند و حتی برخی از مصادیق ظلم را که به جز کیفر شدید اخروی، در دنیا نیز در زوال قدرت سیاسی مؤثر است، یادآور می‌شود. ایشان می‌فرماید:

ای مالک! بترس از خون‌ها و به ناحق ریختن آن؛ زیرا چیزی بیشتر موجب عذاب و کیفر و بزرگ‌تر برای بازخواست و سزاوارتر برای از دست دادن نعمت و به سر رسیدن عمر از ریختن خون‌های به ناحق نیست و خداوند نخستین چیزی را که روز رستاخیز بین بندگان حکم می‌فرماید درباره خون‌هایی است که ریخته‌اند. پس قوت و برقراری حکومت را با ریختن خون حرام طلب مکن؛ زیرا ریختن خون حرام از اموری است که حکومت را ضعیف و سست می‌گرداند و بلکه آن را از بین برده و از گروه و خاندانی به خاندان دیگر انتقال می‌دهد. (همو، ۱۳۷۸: ۱۳۰)

۶. عفو و گذشت در رویارویی با دشمنان و مخالفان

از مؤلفه‌های مهم و عجیب در سیره اخلاقی حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام عفو و گذشت به ویژه هنگام غلبه بر دشمن است. رفتار بزرگوارانه و همراه با فتوت او با مخالفان و دشمنانش مانند مروان، عبدالله بن زبیر و سعید بن العاص - که در جنگ جمل بر آنان تفوق یافت و به رغم به اسارت درآمدنشان، آنان را رها کرد و تلافی ننمود - از آن جمله است. اهل بصره علیه آن حضرت و اولادش دست به شمشیر بردند و ناسزا گفتند، اما پس از غلبه بر آنان، همگی را امان بخشید و مانع تصاحب اموالشان شد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲).

۷. اکتفا به کمترین‌ها در استفاده از مواهب دنیوی در دوران زمامداری

امیر مؤمنان علی علیه السلام برخلاف روش متداول زمامداران، در دوران حکمرانی و زمامداری در استفاده از مواهب دنیوی مانند غذا و لباس، خود را در مضیقۀ بیشتر قرار می‌داد و بر نفس خویش سخت‌گیری افزون‌تری وارد می‌کرد. آن حضرت با این نگرش اخلاقی و با این احتمال که شاید در قلمرو حکومتی وی و در بلاد دوردست، شخصی وجود داشته باشد که با شکم‌گرسنه سر بر بالین گذارد، با آنان در گرسنگی احتمالی همدردی می‌کرد. امیر مؤمنان علیه السلام به عثمان بن حنیف فرمود:

پیشوای شما از مواهب دنیا به دو جامهٔ کهنه و از طعام به دو قرص نان اکتفا کرده است.
(شریف رضی، ۱۳۸۲: ۳۰۴، نامه ۴۵)

بر اساس همین نگرش و جهت‌گیری اخلاقی، آن حضرت در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر، یادآور می‌شود که دورترین مردم در قلمرو حکومت تو همان اندازه حق دارند که نزدیک‌ترین آن‌ها (همو: ۳۲۰). امام متقین همچنین از والی خویش می‌خواهد برای آشنایی نزدیک و شخصی با مشکلات و نیازهای مردم، خود را از آنان پنهان نکند و به رفع نیازهایشان بپردازد و به بهانهٔ پرداختن به کارهای مهم و سترگ از رفع حوایج به ظاهر کوچک آنان غفلت نرزد (همو).

شاخص‌های زمینه‌سازی ظهور

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا؛

مهدی از فرزندان من است. اسم و کنیه او همان اسم و کنیه من است، او شبیه‌ترین مردم در صورت و سیرت به من است.

همچنین فرمود:

أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي سَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ؛

او (مهدی) شبیه‌ترین مرد به من در گفتار، کردار و صورت است.

این شباهت‌های ظاهری و باطنی در روایت‌های بسیاری بیان شده‌اند. در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

أَلَا إِنَّهُ أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ حُسْنًا بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛

او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا ﷺ در اخلاق، رفتار و زیبایی است.

بی‌گمان، به هنگام ظهور و تشکیل حکومت جهانی به وسیله امام مهدی عج، انسان‌ها شاهد اخلاق نبوی خواهند بود؛ یعنی همان گونه که پیامبر ص با انسان‌های زمان خود رفتار می‌کرد، جانشین دوازدهم او نیز همان روش و سیره را دارد و از آن جا که امیرمؤمنان ع در پیشنهاد خلافت اعلام داشت که بر مبنای سنت پیامبر ص عمل خواهد کرد، در این جا با استنباط بر این که اخلاق زمینه‌ساز در واقع همان مباحث اخلاقی است که در زمان حضرت امیر ارائه شده، به معرفی تعدادی شاخص که در زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عج نقشی اساسی دارند اشاره می‌شود.

ردیف	شاخص‌ها (توضیح مهم: شاخص‌های زیر در آموزه‌های دینی ما به کرات تکرار شده‌اند)	ارائه دهنده راهبرد	تاریخ سخنرانی	منبع
۱	رعایت حق در تمام ابعاد سیاسی، مدیریتی و اجتماعی	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۲	انصاف داشتن با مردم	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۳	اجرای عدالت از وظایف مهم کارگزاران حکومتی است.	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۴	تقوا اساس کار و زیربنای فعالیت‌ها و تلاش‌های کارگزاران اسلامی به شمار می‌رود.	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۵	گاهی لازم است با مدارا برخورد کرده و در برابر مردم و حقوق آن‌ها، از خودگذشت نشان داد.	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۶	از ویژگی‌های ضروری کارگزار، امانت‌داری است.	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۷	فروتنی مسئولان حکومت در برابر مردم، اهمیت و ارزش بیشتری دارد.	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۸	پارسایی (وَرَع) از فضایل ارزشمند اخلاقی برای همه از جمله کارگزاران است، پارسایی هنگام [رویاری با] حرام‌هاست.	حضرت علی <small>ع</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر

ردیف	شاخص‌ها (توضیح مهم: شاخص‌های زیر در آموزه‌های دینی ما به‌کررات تکرار شده‌اند)	ارائه دهنده راهبرد	تاریخ سخنرانی	منبع
۹	کارگزار موفق کسی است که در برابر اظهارات افراد، غضبناک نشود و تصمیمی نابه‌جا نگیرد.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۰	از شرایط کارگزار اسلامی مقاومت در برابر گناهان و پرهیز از خلاف و ناپسند است.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۱	ویژگی بخشندگی در کارگزار، وی را به سمت کمک به مردم سوق داده و از بخل و انباشت دارایی‌ها به بهانه‌های واهی و احتیاط‌های بی‌مورد بازمی‌دارد.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۲	شجاعت از خصلت‌های بارز و والای کارگزار اسلامی است که هر کس از آن برخوردار باشد، عزیز می‌شود.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۳	کارگزاری که زهد پیشه باشد و در پی تجملات و زندگی اشرافی نرود، به خوبی می‌تواند از حقوق مردم دفاع کند و در خدمت آن‌ها باشد.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۴	نظم، رمز توفیق مدیر است.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۵	اصل نخستین در رفتار مدیر و کارگزار، رفق و مداراست که نتیجه‌کاربردی آن، توفیق است.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۶	مهربانی با مردم و برخورد پسندیده با آن‌ها از وظایف کارگزاران است.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۷	رفتار کارگزاران نباید به گونه‌ای باشد که فقط عده‌ای خاص برگرد او جمع شده و تنها در جذب و حفظ منافع آن‌ها بکوشد.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۸	در صورت ارتباط مستقیم کارگزار اسلامی با مردم می‌تواند سخنان آنان را شنیده، از انتقادهای آن‌ها آگاه شده، خواسته‌های آن‌ها را دریابد و در رفع مشکلات اجتماعی و مدیریتی ایشان بکوشد.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر
۱۹	از ویژگی‌های شایسته کارگزار، خیرخواهی است. خیرخواهی یعنی آن‌چه را به صلاح مردم، کشور و اسلام است، اجرا کند.	حضرت علی <small>علیه السلام</small>	-	نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر

ردیف	شاخص‌ها (توضیح مهم: شاخص‌های زیر در آموزه‌های دینی ما به‌کررات تکرار شده‌اند)	ارائه دهنده راهبرد	تاریخ سخنرانی	منبع
۲۰	بایستی مسئولین از خودخواهی پرهیز کنند و آن را در وجود خود ریشه‌کن کنند.	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	-	صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵۰۵
۲۱	قدرت طلبی مذموم است و بایستی مسئولین از آن پرهیز کنند.	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	-	صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵۰۵
۲۲	توجه به موضوعاتی مانند عدالت و اخلاق مدیریتی، اجتماعی و علوی در زندگی کاری و شخصی لازمه زندگی مسئولین است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۱/۱۱/۱۵	دیدار مسئولان صدا و سیما
۲۳	از اهداف مسئولین، پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت حجاب به عنوان رکن اساسی در مدیریت است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۶۹/۱۲/۱۴	دیدار اعضای شواری سیاستگذاری
۲۴	تواضع در اوج قدرت لازمه کارکنان است.	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	-	صحیفه امام، جلد ۱۸، صفحه ۲۰۹
۲۵	مسئولین نظام به شغل و پست خود به عنوان وظیفه نگاه کنند.	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	-	صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰۹
۲۶	از اهداف مسئولین پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت اخلاق عمومی و هویت حقیقی جامعه است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۲۷	از اهداف مسئولین پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کاری است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۲۸	از اهداف مسئولین پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت ادب اجتماعی، مدیریت، حق دیگران است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۲۹	از اهداف مسئولین پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت کرامت انسان، احساس مسئولیت، اعتماد به نفس و قناعت است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۳۰	از اهداف مسئولین پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت بهداشت و زیبایی باطن و ظاهر مدیریت و جامعه و پارک و خیابان است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۳۱	از اهداف مسئولین پی‌گیری اهداف نظام در جهت تقویت توجه به عفت عمومی، احترام به والدین، ارائه عملی این خلیقات به مردم است.	مقام معظم رهبری <small>(مدظله العالی)</small>	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما

ردیف	شاخص‌ها (توضیح مهم: شاخص‌های زیر در آموزه‌های دینی ما به‌کررات تکرار شده‌اند)	ارائه دهنده راهبرد	تاریخ سخنرانی	منبع
۳۲	از اهداف مسئولین توجه به مسئله وحدت، انفاق و اتحاد ملت است.	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۷۷/۲/۲	دیدار با علما و خطبای کشور
۳۳	کارگزاران نظام در بحث عدالت اجتماعی به فضای همدردی با فقرا توجه کنند.	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۳۴	زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بی‌بهره توسط کارگزاران نظام تخریب گردد.	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۳۵	پی‌گیری اهداف نظام در جهت رعایت آراستگی سیمای جامعه و محیط کار به ارزش‌های اسلامی و انقلابی از اهداف مسئولین باشد.	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۷۸/۳/۱	بیانات درباره برنامه سوم توسعه
۳۶	ضرورت مراقبت از عملکرد دشمنان در ایجاد اختلاف و دودستگی در بین مسئولین	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۷۷/۱/۱۵	پیام به حجاج بیت‌الله الحرام
۳۷	ممانعت مسئولین از پرداختن به مسائل تفرقه‌برانگیز و کدورت‌ها	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۳۵۹/۱۰/۱۳	جمع کارکنان سروش
۳۸	مسئولین نظام محیط کار را مساعد رشد معنوی و اخلاقی کنند.	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۶۴/۹/۲۹	خطبه نماز جمعه
۳۹	از اهداف مسئولین تلاش جهت ارتقای معرفت به فکر و فرهنگ عمومی و اخلاق عمومی است.	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما
۴۰	ضرورت پرهیز مسئولین از پرورش روحیه مصرف‌زدگی و مصرف‌گرایی و تجملاتی در زندگی شخصی و کاری	مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۳۸۳/۹/۱۱	دیدار با مدیران صدا و سیما

ویژگی‌های عصرانتظار

ویژگی عصر جهانی‌شدن در این باره، نبود توازن، افراط و تفریط و فراز و فرودهای ناهمگون است. اگر انسان دوره جهانی‌شدن به پیشرفت‌هایی درخور توجه در برخی عرصه‌های علوم طبیعی دست یافته، در مقابل، از لحاظ اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی، اُفتی شدید و سقوطی وحشتناک کرده است، به گونه‌ای که بر اثر پای بند نبودن به ارزش‌های اخلاقی، رشد

علمی، پیامدهایی بسیار ناگواری همچون سلاح‌های اتمی و آلودگی زیست‌محیطی را برای جامعه انسانی به ارمغان آورده است. امکانات و وسایل رفاهی بدون اخلاق و معنویت نتوانسته است امنیت و آرامش روانی را - که لازمه یک زندگی خوب است - برای بشر به ارمغان آورد. به همین دلیل، انسان در دوره جهانی شدن با چشمان کور شده از زرق و برق محصولات لوکس و مدرن، به دنبال آرامش و اطمینان خاطر در تاریکی می‌گردد. بنابراین در این عصر توجه ویژه به بحث اخلاق به ویژه در حوزه کارگزاران، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز به شمار می‌آید (قنبری، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

تکامل تفکر بشری در عصر انتظار

انسان‌ها به‌رغم وجود انحراف‌های فکری در ادوار مختلف تاریخی، از جهان اطراف خویش شناخت تکامل یافته‌تری داشته‌اند و همواره تفکر بشری در سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدید سیر کرده است. عصر کنونی نیز با وجود آفات و انحرافات فکری در مجموع فرصت شناخت بیشتری نسبت به گذشته از جهان دارد. رشد و پیشرفت علوم با کشف عرصه‌های جدید دانش در بسیاری موارد مؤید آموزه‌های اعتقادی - دینی است و انسان‌ها از طریق سیر آفاقی، به عرصه‌های جدیدتری از عظمت خلقت الهی پی برده‌اند.

دانش بشری افق‌های بسیار گسترده و عظیمی را فتح کرده، اما چنان‌که در روایات ملاحم نیز آمده، علم در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیشرفتی شگرف خواهد داشت و از سوی دیگر، فهم و آگاهی انسان‌ها نیز فزونی خواهد یافت. در روایتی تأکید شده است که هنگام ظهور، آن حضرت دست خویش را بر سر انسان‌ها خواهد نهاد و فهم و آگاهی آن‌ها تکامل خواهد یافت.

بدون تردید، علت تأخیر حکومت جهانی آن حضرت محقق نشدن شرایط و لوازمی از قبیل آمادگی فکری و زمینه پذیرش عمومی است. تحقق حکومت آن حضرت مستلزم آمادگی پذیرش عمومی است و تا زمانی که انسان‌ها به چنین فکر و آمادگی نرسند، شرایط فراهم نمی‌شود. در واقع انسان‌ها با پی بردن به نقص مکاتب بشری دست به دامان وحی می‌شوند و آن را طلب می‌کنند و در چنین روزی فتح و پیروزی محقق می‌گردد (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۸).

جهانی شدن

از جهانی شدن، تعاریفی گوناگون و حتی متضاد ارائه شده است. دلیل این امر، اختلاف نظر در ماهیت جهانی شدن، موافقت یا مخالفت صاحب نظران با این پدیده، تفاوت دیدگاه‌ها در اهمیت هر یک از ابعاد آن و تکامل نیافتگی و دست‌خوش تغییر و تحول بودن این روند است. بنابراین، در ارائه تعریفی واحد از این پدیده وفاقی وجود ندارد. در این میان مسلم است که جهانی شدن، پدیده‌ای پرشتاب است که مرزهای زمان و مکان را درنوردیده و دولت‌ها و ملت‌های جهان را در عرصه‌های مختلف از ورای مرزهای تصنعی در تعامل و تأثیر و تأثر مستقیم و غیرمستقیم قرار داده است؛ به گونه‌ای که امروزه دولت‌های ملی در عرصه سیاسی، عنصر حاکمیت را به شکل سنتی‌اش تقریباً از دست داده‌اند. از این رو، طبقه‌بندی اهداف ملی و تعیین استراتژی سیاست خارجی‌شان تنها از متغیرهای داخلی تأثیر نمی‌پذیرند، بلکه درکنش متقابل، برتر یا انفعالی با متغیرهای بیرونی قرار دارند. در دیگر عرصه‌ها نیز چنین وضعیتی به وجود آمده است. برای نمونه، جهانی شدن در عرصه اطلاع‌رسانی و ارتباطات، موجب فشردگی دو عنصر زمان و مکان شده است. مثبت یا منفی بودن این پدیده به برداشت صاحب نظران و میزان ذی‌نفع بودن خود و کشورشان از این پدیده بستگی دارد. مک‌گرو در تعریفی نسبتاً جامع از جهانی شدن می‌گوید:

جهانی شدن عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرایندی که از طریق آن، تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد. (عرفانی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

موانع سرراه حکومت جهانی

بر سر راه این آرمان بزرگ، دو مانع بزرگ وجود دارد:

الف) عوامل سلطه و استکبار جهانی که از سرمایه‌داران و سیاست‌مداران تشکیل می‌شود؛
ب) عقب‌ماندگی فرهنگی و نبود تربیت درست انسانی که به سبب آن، توده‌های انسانی در مسیر غرض‌ها و خودکامگی‌های مستکبران قرار می‌گیرند.

این دو عامل در آن دوران و به دست با کفایت امام مهدی علیه السلام ریشه‌کن می‌شود. عامل قدرتمند مرکزی با تصفیه اجتماعات بشری از عوامل سلطه و استکبار مالی و سیاسی ایجاد می‌شود و با هدایت و تربیت درست انسان‌ها روابط صمیمی و نزدیک میان همه افراد نوع

انسانی برقرار می‌گردد.

وعده اسلام به جهانی سازی در آینده تاریخ

وعده به جهانی سازی در آینده تاریخ، از ویژگی‌های آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود. حقیقت این موضوع که بشر با همه تضادها، جنگ‌ها و ناسازگاری‌های طول تاریخ، سرانجام در دگرگونی خدایی و انقلابی مردمی، به یگانگی و برادری انسانی، یکپارچگی جغرافیایی، وحدت مردمی و مسلکی، یکسانی نظام حقوقی و اقتصادی، وحدت مدیریتی و سیاسی خواهد رسید. همچنین با پشت سر افکندن دوران بیگانگی‌ها و دوری‌ها جهانی سازی با معیارهای صددرصد انسانی در عینیت جامعه به پیدایی خواهد آمد. همه انسان‌ها بدون بیم از هرگونه سلطه و تحمیلی در آغوش انسان‌های دیگر آرام خواهند گرفت. این وعده راست، در دوران جهانی سازی عدل مهدوی محقق خواهد شد. قرن‌ها پیش، خطوط کلی این جهانی سازی روشن و مشخص شده، از آغاز دعوت جهانی اسلام به این جهانی سازی، اشارت‌هایی بسیار گویا و صریح رفته است. رهبران اسلام نیز از چگونگی‌های آن سخن گفته‌اند.

در جهانی سازی مهدوی، معیارها، اصول، اهداف و انگیزه‌ها بر پایه انسان‌گرایی، حقوق انسان‌ها و ارزش‌های والای اخلاقی استوار است و کمترین رنگی از برتری نژادی، منافع مادی، سلطه طلبی، خودکامگی گروهی و... وجود ندارد؛ بلکه در سراسر جهان رفاه انسانی، رشد عقل و دانش انسانی، بسندگی و رفاه همگانی و فراگیر و عدالتی گسترده در همه بخش‌های زندگی پدید خواهد آمد. این جهانی سازی، با جهانی سازی‌های تئورسیسین‌های جامعه‌های سرمایه داری، تفاوتی ماهوی دارد.

منابع اسلامی درباره آینده تاریخ بر دو محور بسیار روشن «عدالت» و «گسترش آن در سراسر جهان» تأکید کرده‌اند و شاید بیشترین تعبیرها درباره این دو محور بوده است. آن چه ضرورت وجود مهدی موعود علیه السلام را مدلل می‌دارد، تحت عنوان‌های زیر بررسی می‌شود:

- ناامیدی انسان از نتایج علم و تکنولوژی (فناوری)؛

- سودجویی و تأمین منافع اقتصادی، انگیزه اساسی بیشتر زمامداران حاکم در جهان؛

- رسوخ و اشاعه ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، قبیله‌گرایی و مانند این‌ها؛

- ضعف اخلاقی وجودبینی، انگیزه اساسی در رفتار گروه بسیاری از مردم جهان؛

- تزلزل مناسبات انسانی در جامعه بشری؛

- گسترش ظلم و بی‌عدالتی در جامعه بشری؛

- توجه گروهی از اندیشه‌وران به لزوم تقویت ارزش‌های معنوی؛

- حضور و ظهور مهدی علیه السلام بیان‌کننده الطاف الهی و نقش آفریدگار جهان در هدایت بشر است.

بی‌گمان در این باره دلایل دیگری را نیز می‌توان ارائه داد. تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام به شمار می‌رود. در آن دوران و به دست آن امام، آرمان والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امامان، مصلحان و انسان دوستان برآورده می‌شود.

بخش بزرگ تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعاف‌ها در کل جامعه بشری از حکومت‌ها و درون کاخ‌ها و پشتوانه‌های آنان - یعنی سرمایه‌داران - سرچشمه می‌گیرد و به دست آلوده و نیرنگ‌باز دولت‌ها و حکم‌فرمایان در میان انسان‌ها گسترش می‌یابد. توده‌های مردم و افراد نوع انسانی، در درون خود با گرایش‌های طبیعی که دارند، نوع دوست و مهربان‌اند و چنین تضادها، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها را بر سر منافع مادی روا نمی‌دارند؛ به‌ویژه اگر درست تربیت شوند و ذهنیت‌ها و اندیشه‌های انحرافی در آن‌ها راه نیابد. کژی‌ها، پرخاش‌گری‌ها، خون‌ریزی‌ها و... با تحریک دولت‌ها و به دست حکومت‌گران و قطب‌های اقتصادی انجام می‌گیرد. قطب‌های اقتصادی نیز برای گسترش قدرت و استواری بیشتر پایه‌های حکومت خود به جلب و جذب منافع بیشتر دست می‌یابند و تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار، توده‌های انسانی را به ناسازگاری و درگیری وامی‌دارند و رویاروی یکدیگر قرار می‌دهند. عامل اصلی تضاد، جنگ و ظلم در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماع‌ها، نژادها و منطقه‌ها نابود می‌شود، انسان‌ها از بیم فشار سیاست‌ها به آغوش یکدیگر بازمی‌گردند و مهربان و برادروار در کنار هم زندگی می‌کنند؛ مناطق مرفه به مناطق محروم می‌رسند؛ به استثمار حق محرومان و استعمار کشورهای ضعیف نمی‌پردازند و به معنای واقعی کلمه، امت و خانواده‌ای از کل اجتماعات بشر تشکیل می‌شود.

از نظر اسلام و در باورهای حتمی و تردیدناپذیر، پایان تاریخ مسلمانان، وعده خداوند به بشر مظلوم و وفای او به وعده‌هایش است؛ نه آن‌چنان که قلم‌به‌دستان مزدور، طراحان مأمور و

آینده‌نگران دروغین می‌گویند. آنان بدترین، فاسدترین، ضدارزش‌ترین و ناانسان‌ترین نظام‌های کنونی را پایان تاریخ می‌نامند و جامعه‌های از بنیاد فاسد سرمایه‌داری را آرمان‌نهایی انسان‌ها می‌شمارند. به راستی که چنین نیست! اگر پایان تاریخ، چنین جامعه‌هایی باشد و چنین فجایی هستی‌سوز (خودکامگی‌های سرمایه‌داری آمریکا) در انتظار بشر باشد، جا دارد انسان‌ها در یک روز بزرگ گرد آیند و دست به خودسوزی و خودنابودی دسته‌جمعی بزنند که چنین فرجام ضدبشری را نبینند و نظاره‌گر این همه نیرنگ، دروغ و حق‌کشی و قلدرمآبی نباشند. خداوند بزرگ بر بافته‌های این نابخردان، خط بطلان کشیده و وعده داده است زمین را بندگان شایسته‌اش به ارث خواهند برد (حسینیان، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹).

اسلام تنها دین حکومت جهان

اسلام، آیینی جاودانه است که قدرت بقا و برآوردن نیازهای امروز را هم به اعتبار منابع حیاتی خویش و هم به اتکای رهیافت‌های عقلانی انسان دارد. مهم آن است که برای فهم درست دین و دنیای جهانی شده این توانایی‌ها را نیز به خوبی دریابیم و هم از آن آفات درونی و بیرونی دین به درستی آگاه شویم. انگیزه کلی دعوت‌گران غرب و نظام سرمایه‌داری که خاستگاهی سودطلبانه دارد، بر منافع و رشد روزافزون سرمایه‌داری جهانی استوار است که جز به خود و دار و دسته خود به چیزی نمی‌اندیشد. همواره و همه روزه از مقدس‌ترین شعارها و آرمان‌ها سوءاستفاده می‌کند و جنگ‌طلبی را «صلح‌دوستی» و نابودکردن انسان‌ها را «حقوق بشر» می‌نامد و بردگی کشیدن را «آزادی» و «آزادسازی» نام می‌نهد.

حتی مؤسسات جهانی همچون بانک جهانی، شعبه حقوق بشر سازمان ملل، تجارت جهانی و... را برای گسترش سلطه روزافزون خویش تشکیل می‌دهد. بدین‌سان دیگر شعارها و آرمان‌های زیبا و انسانی واژگونه و از محتوا تهی می‌گردد و از جهانی‌سازی نیز مفهومی ضد آن اراده می‌شود، یعنی «جهانی» می‌گویند؛ ولی منظور آنان سلطه بلوک غرب بر دیگر بخش‌های جهان است.

انسان‌های صادق و عدالت‌خواه نیز منادی جهانی‌شدن هستند که به راستی از این همه فاصله‌ها، تبعیض‌ها، بلوک‌بندی‌ها، جهانی‌فراست و جهانی‌فرودست و درگیری‌های میان آنان به ستوه آمده و درصدد چاره‌دردهای همه انسان‌ها برآمدند. با طرح شعار جهانی‌سازی و مدیریت یگانه برای همه انسان‌ها، اقتصاد واحد و داد و ستدی جهانی و بهداشتی جهانی، در

این اندیشه بودند که تبعیض‌ها را محو کنند و تضادها، درگیری‌ها، سلطه‌طلبی‌ها و سلطه‌پذیری‌ها را به کنارزنند و انسان درمانده اعصار و قرون را به سرمنزل آرامش و آسایش رسانند.

انسان‌ها اگر از زیر سلطه تبلیغات و فرهنگ‌سازی‌های امپریالیستی و انگیزه‌سازی‌های تحمیلی‌رهای یابند، به طور طبیعی به انسان‌های دیگر گرایش دارند و به هم‌نوع خود می‌اندیشند. با رشد فکری، فرهنگی و عقیدتی به ویژه ایمان الهی، این گرایش رشد می‌یابد و انسان، انسانی و فراتر از حد و مرزهای جغرافیایی و نژادی فکر می‌کند و کره زمین را خانه انسان‌ها می‌شناسد. سخن امام صادق بهترین تعبیر در این باره و آموزش این معیار والاست:

فإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكَرِكَ، وَ مَيَّزْتَهُ بِعَقْلِكَ، وَ جَدَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمَبْنِيِّ الْمَعْدَّ فِيهِ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ... وَ الْإِنْسَانَ كَالْمَلِكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ، وَ الْمَخُولِ جَمِيعَ مَا فِيهِ؛ (مفضل بن عمر، ۱۴۰۴: ۱۲)

اگر در اندیشه خود درباره جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هرچه مورد نیاز بندگان بوده در آن فراهم آمده است... و انسان همچون مالک این خانه شده که همه آن‌چه در آن است، به خواست خدا در اختیار وی قرار گرفته است.

در این آموزه اسلامی، کره زمین به بیت و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد، رنگ، زبان، ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به شمار آمده است. این تعبیر، آموزش نگرش‌های فرامنطقه‌ای، فراقاره‌ای و آموزش اصل جهان‌وطنی و جهان‌گرایی با اهداف انسانی است.

باری، انسان‌ها در طبیعت سره و زلال خود چنین گرایش‌هایی دارند. این دست انسان‌ها در طول تاریخ فریاد برآوردند و با تأکید بر یگانگی ابنای نوع انسانی و بر یکی بودن خانه انسان‌ها و یک‌سویی حرکت آدمی و برابری حق و حقوق و هم‌سو شدن همه مهرها و عاطفه‌ها اصرار ورزیدند. آنان بر همه عوامل امتیازطلبی، جدایی و بیگانگی از رنگ، زبان، قومیت، فرهنگ، ثروت، فقر و... خط سرخ کشیدند و با تمام هستی، سر در راه تشکیل «جهان واحد»، «سیاست یگانه» و «خانواده واحد»، یعنی خانواده انسانی نهادند و «اقتصاد واحد»، «معیشت هم‌سان» و «باورهای همانند» را خواستار شدند. پیامبران الهی از پیش‌تازان این طرح در اندیشه و عمل بودند. به ویژه اسلام که مترقی‌ترین ادیان است، چنین خط مشی کلی را از آغاز برگزید و با

تعالیمی استوار و بلند، موضوع جهانی اندیشیدن، جهانی‌سازی و جهان‌وطنی را به همه انسان‌ها آموزش داد. خانواده بشری را خانواده خدایی نامید، مدیریت و رهبری جهانی را از اهداف خویش شمرد و اقتصاد و تجارت جهانی را مطرح کرد. از این‌ها بالاتر انسان را به جهانی‌سازی احساس‌ها و عواطف نیز فراخواند، برابری و برادری انسانی را در میان همه انسان‌ها و سرزمین‌ها بگسترد و مرزهای فاصله‌افکن و بیگانگی را به رسمیت نشناخت. چنان‌که در تفکر قرآنی، انسان از هر نژاد، جنسیت و طبقه‌ای نماینده و خلیفه خداوند در زمین است:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ﴾ (انعام: ۱۶۵)

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد.

این مضمون دست‌کم در سه آیه دیگر نیز آمده که رسالت کلی همه افراد انسانی را در زیستگاه زمین تبیین می‌کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راهنما برای همه انسان‌ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام‌بخشی به زیست فردی و گروهی انسان‌ها را بر عهده دارند که در همه ابعاد مدیران جامعه بشری باشند. این رسالت جهانی و فراگیر درباره پیامبر اسلام ﷺ با صراحت بیشتری مطرح شده است.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱)

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان (کتاب جداسازنده حق از باطل) را نازل فرمود تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد.

از این رو، پیامبر اسلام، حکومت‌ها و دولت‌هایی را که میان ملت‌ها فاصله‌افکنده‌اند و سرزمین‌ها را میان خود تقسیم کرده‌اند، به رسمیت نمی‌شناسد و همه آنان را به دین، دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرامی‌خواند. به پادشاه ایران و مقوقس - حاکم مصر -، حارث غسانی - پادشاه حیره -، حارث عمیری - پادشاه یمن -، نجاشی - شاه حبشه - و... نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند. برای تبیین این اصل محوری، واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن بارها به کار رفته است. کلمه «الناس» نزدیک به ۲۴۰ بار در قرآن آمده است و کلمه «الانسان» حدود ۶۵ بار تکرار شده که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی به شمار می‌آید و در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب‌ها بسیار روشن است.

همچنین قرآن کریم، زمین را خانه همه انسان‌ها بیان می‌کند:

﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ (رحمن: ۱۰)

و زمین را برای مردم نهاد.

خطاب‌های قرآنی، همه عام، به صورت جمع و به همه بشر است و این نوع واژه‌ها خانه و خانواده بودن و یگانگی جامعه انسانی را روشن می‌سازد. پیامبر اکرم ﷺ در دعایی برای ماه مبارک رمضان می‌فرماید:

اللَّهُمَّ اغْنِ كَلَّ فَقِيرٍ؛ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كَلَّ جَائِعٍ؛ اللَّهُمَّ اكْسِ كَلَّ عَرِيَانٍ؛ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كَلِّ مَدِينٍ؛ اللَّهُمَّ فَتِّحْ عَن كَلِّ مَكْرُوبٍ؛ اللَّهُمَّ زِدْ كَلَّ غَرِيبٍ؛ اللَّهُمَّ فَكِّ كَلَّ أُسِيرٍ...؛
خداوندا! تمام نیازمندان را بی‌نیاز کن؛ خداوندا! تمام گرسنگان را سیر کن؛ خداوندا! تمام برهنگان را بپوشان؛ خداوندا! دین هر مدیونی را ادا فرما؛ خداوندا! تمام گرفتاری‌ها را گشایش ده؛ خداوندا! هر غریبی را به وطنش بازگردان؛ خداوندا! تمام اسرا را آزاد فرما... .

در این دعا از خدا می‌خواهد که تمام فقیران جهان به رفاه برسند، تمام گرسنگان جهان سیر شوند و تمام برهنگان جهان لباس بپوشند. مطالبات جهانی و بشری این دین با مطالبات جهانی تفکر مقابل حتماً اشتقاق تئوریک یافته و می‌یابد (همو: ۶۸).

تعیین راهبرد بر مبنای مدل Swot (تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)

۱. آنالیز swot

امروزه کشورها با تغییراتی شگفت‌آور روبه‌رو هستند و این امر سبب شده است حاکمان بیشتر از گذشته به تعیین و تبیین درازمدت اهداف و مأموریت‌های کشور خود توجه داشته باشند. آن‌ها نیاز دارند که بیش از گذشته جهت‌گیری‌های خود را برای آینده معین کرده و کشور خود را در مقابل تحولات فردا (سلطه‌طلبی، استکبار و...) مجهز کنند. این موضوع سبب شده است برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان ابزاری برای مقابله با این تغییرات اهمیت فراوانی یابد. این نوع برنامه‌ریزی، به شکل‌های مختلف و در قالب‌های گوناگون ارائه است که در این جا یکی از متداول‌ترین آن‌ها بیان گردیده است. این مدل swot نامیده می‌شود. تجزیه و تحلیل swot ابزاری کارآمد به شمار می‌آید که به کارگزاران و حاکمان یک کشور کمک می‌کند عوامل خارجی و داخلی را مورد بررسی قرار دهند و برای رویارویی بهتر با آن‌ها، استراتژی‌های مناسبی تدوین کنند. نام روش swot از نخستین حروف واژه‌های Strengths، Weaknesses، Opportunitites.

Threats گرفته شده است. برای انجام این تجزیه و تحلیل از ماتریس swot استفاده می‌شود. این ماتریس یکی از ابزارهای مهمی است که کارگزاران بدان وسیله اطلاعات مربوط به عوامل داخلی و خارجی اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز را مقایسه می‌کنند و می‌توانند با استفاده از آن و با توجه به ماتریس استراتژی‌های اصلی، انواع استراتژی‌های ممکن را برای زمینه‌سازی ارائه کنند. استراتژی‌های ممکن را می‌توان در دسته‌های wt, st, wo, so برشمرد.

۲. مفاهیم تئوریک تجزیه و تحلیل استراتژیک (تحلیل SWOT)

تهیه ماتریس swot: در روش swot از یک ماتریس ۴ در ۴ برای تجزیه و تحلیل عوامل موجود استفاده می‌شود. در هر یک از خانه‌های ماتریس، یکی از عوامل مؤثر در سیستم، قرار داده می‌شود که در ارتباط با یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و در هر یک از این موارد، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌های موجود برای استفاده کارگزاران و عوامل تهدیدکننده (محدودیت‌ها) از ابعاد داخلی و خارجی به صورت درون و برون مرزی بررسی می‌شوند. اهمیت این روش در این است که عوامل تهدیدکننده را مورد شناسایی قرار می‌دهد که کارگزاران بتوانند خود را برای برخورد مناسب با آنان آماده سازند و فرصت‌ها و امکانات محیطی را نیز برای فعالیت خود در حال و آینده جست‌وجو کنند. برای ساختن یک ماتریس swot باید هشت مرحله را به شرح زیر طی کرد:

۱. تهیه فهرست قوت‌های اولویت‌دار؛

۲. تهیه فهرست ضعف‌های اولویت‌دار؛

۳. تهیه فهرست فرصت‌های اولویت‌دار؛

۴. تهیه فهرست تهدیدهای اولویت‌دار؛

۵. مقایسه نقاط قوت داخلی و فرصت‌های خارجی با هم و انتخاب استراتژی‌های ممکن متناسب؛

۶. مقایسه نقاط ضعف داخلی با فرصت‌های موجود با هم و انتخاب استراتژی‌های ممکن متناسب؛

۷. مقایسه نقاط قوت داخلی با تهدیدات خارجی با هم و انتخاب استراتژی‌های ممکن متناسب؛

۸. مقایسه نقاط ضعف داخلی با تهدیدات خارجی با هم و انتخاب استراتژی‌های

ممکن متناسب.

کلیت ماتریس و ترکیب استراتژی‌های چارچوب SWOT به شرح زیر است:

ساختار کلی ماتریس SWOT

نقاط ضعف W نقاط ضعف را فهرست کنید	نقاط قوت S- نقاط قوت را فهرست کنید	
استراتژی‌های WO با بهره‌جستن از فرصت‌ها نقاط ضعف را از بین ببرید.	استراتژی‌های SO با بهره‌جستن از قوت‌ها درصد بهره‌برداری از فرصت‌ها برآید.	فرصت‌ها O- فرصت‌ها را فهرست کنید
استراتژی‌های WT نقاط ضعف را کاهش دهید و از تهدیدها پرهیز کنید	استراتژی‌های ST برای احتراز از تهدیدات از نقاط قوت استفاده کنید	تهدیدها T- تهدیدات را فهرست کنید

ترکیب استراتژی‌ها در ماتریس SWOT

ترکیب عوامل مورد نظر		
قوت (S)	فرصت (O)	استراتژی SO
قوت (S)	تهدید (T)	استراتژی ST
ضعف (W)	فرصت (O)	استراتژی WO
ضعف (W)	تهدید (T)	استراتژی WT

استراتژی‌های SO

در قالب این استراتژی‌ها، کارگزاران با استفاده از نقاط قوت داخلی (آموزه‌های دینی خود در زمینه اخلاق) می‌کوشد از فرصت‌های خارجی بهره‌برداری کند.

استراتژی‌های WO

هدف از این استراتژی‌ها این است که کارگزاران با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج بکوشد نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشد. گاهی در خارج از یک کشور، فرصت‌های بسیار مناسبی وجود دارد، ولی آن کشور به سبب داشتن ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌ها بهره‌برداری کند.

استراتژی‌های ST

کارگزاران در اجرای این استراتژی می‌کوشند با استفاده از نقاط قوت خود اثرات ناشی از

تهدیدات موجود در محیط را کاهش دهند یا آن‌ها را از بین ببرند.

استراتژی‌های WT

کارگزارانی که این استراتژی‌ها را به اجرا درمی‌آورند، حالت تدافعی به خود می‌گیرند و هدف، کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. کشوری که نقاط ضعف داخلی دارد و در محیط خارج، با تهدیدهای بسیاری روبه‌رو می‌شود، در موضعی مخاطره‌آمیز قرار خواهد گرفت. در واقع چنین جامعه‌ای می‌کوشد برای حفظ بقا از فعالیت‌های خود بکاهد (استراتژی‌های کاهش یا واگذاری).

۳. نتایج تجزیه و تحلیل SWOT اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز

در این بخش از پژوهش به تشریح نتایج تجزیه و تحلیل SWOT اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز پرداخته شده است. گفتنی است با توجه به حجم مطالب، امکان استخراج نتایج به دست آمده در قالب یک جدول میسر نبوده است. از این‌رو به شکل گام به گام هر یک از استراتژی‌های ترکیبی در قالب یک جدول ذکر شده‌اند.

ردیف	قوت‌ها	میانگین نمرات
S1	وجود متون غنی دینی درباره اخلاق کارگزاران در جامعه شیعی و گرایش اکثر کارگزاران به آن	۲.۵
S2	وجود الگوهای از کارگزاران با فضایل اخلاقی ناب در طول تاریخ اسلام (برای مثال: پیامبر اکرم، امام علی، امام حسن، امام حسین <small>علیهم‌السلام</small> و...)	۴
S3	وجود فضایل اخلاقی در شخص اول جمهوری اسلامی ایران (مقام معظم رهبری مدظله العالی) و رویکرد ایشان به برجسته‌سازی معارف مهدوی	۴
S4	توجه به نیازمندان و شکل‌گیری عدالت اجتماعی با تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال در سال‌های اخیر	۱
S5	کارگزاران مقلد مراجع عالیقدر و عامل	۳
ردیف	ضعف‌ها	میانگین نمرات
W1	مشارکت نداشتن فعال دانشگاه‌ها در این باره و ترویج اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در سراسر جهان	۴
W2	ضعف برخی نهادی بانی از جمله حوزه‌های علمیه در ترجمه و تکثیر این فضایل اخلاقی به زبان‌های رایج دنیا	۴
W3	وارد نشدن تولیدکنندگان فیلم و... به زمینه‌های اخلاقی کارگزاران	۴
W4	تضعیف به امر به معروف و نهی از منکر در بین کارگزاران	۳
W5	برخورد و برداشت ظاهری از متون غنی دینی	۳
W6	تجمل‌گرایی برخی از کارگزاران در نظام جمهوری اسلامی ایران	۳.۲۵

۳	کشمکش‌های سیاسی و بد اخلاقی برخی کارگزاران در سطح دولت جهت دستیابی به قدرت	W7
۲.۲۵	حضور کارگزاران تحصیل کرده در کشورهای اروپایی و آشنایی کم آن‌ها با متون دینی	W8
ردیف	فرصت‌ها	میانگین نمرات
۲.۵	الگو قرار گرفتن اخلاق برخی از کارگزاران زمینه‌ساز حضرت امام و مقام معظم رهبری) در سایر کشورها	O1
۳	مطرح کردن حکومت حضرت مهدی <small>عج</small> به عنوان بهترین حکومت اخلاقی در جهان	O2
۳.۵	استمرار حرکت اخلاقی زمینه‌ساز از طریق ولایت مطلقه فقیه	O3
۲.۵	معرفی اصول فضایل اخلاقی (کارگزاران زمینه‌ساز) توسط مراجع عالیقدر و انتقال آن به سایر کشورها از طریق طلاب و دانشجویان خارجی	O4
۲.۵	راه‌اندازی بسترهای مجازی و انتقال اصول اخلاقی زمینه‌ساز از طریق این فضا	O5
۳	نگاه برخی از کشورهای اسلامی و الگوگیری آن‌ها از نوع حکومت ایران	O6
۳.۵	وجود متون دینی قوی و الگوهایی (از جمله پیامبر <small>ص</small> و حضرت علی <small>ع</small> و...) در این باره و الگو قرار گرفتن آن‌ها در سطح جهان	O7
ردیف	تهدیدات	میانگین نمرات
۴	شکل‌گیری برخی از فرقه‌های ظاهری مثل سلفی‌ها و ارائه چهره زشت از اسلام	T1
۴	هجمه اطلاعاتی دشمنان به خصوص امریکا و اسرائیل و تبلیغات گسترده در به تصویر کشیدن بی اخلاقی در فضای سایبر	T2
۳.۲۵	تلاش دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف در سطح کارگزاران و ایجاد تقابل‌های سیاسی	T3
۳.۷۵	فعالیت گسترده دشمنان به منظور تخریب چهره اخلاقی اسلام از طریق تعریف پروژه‌هایی از جمله پروژه اسلام‌هراسی، حمایت از جریان‌های تکفیری و...	T4
۳	تلاش برای ایجاد اختلاف در بین اقوام و کارگزارانی از اقوام مختلف در ایران	T5

ردیف	قوت‌ها	وزن * ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	S1	۲.۵*٪۱۰	٪۲۵
۲	S2	۴*٪۱۰	٪۴۰
۳	S3	۴*٪۹	٪۳۶
۴	S4	۱*٪۸	٪۸
۵	S5	۳*٪۱۰	٪۳۰
ردیف	ضعف‌ها	وزن * ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	W1	۴*٪۹	٪۳۶
۲	W2	۴*٪۸	٪۳۲

ردیف	ضعف‌ها	وزن * ضریب اهمیت	نمره موزون
۳	W3	۴*٪۶	٪۲۴
۴	W4	۳*٪۶	٪۱۸
۵	W5	۳*٪۶	٪۱۸
۶	W6	۳.۲۵*٪۵	٪۱۶
۷	W7	۳*٪۷	٪۲۱
۸	W8	۲.۲۵*٪۶	٪۱۸

جمع نمرات موزن: جمع نمرات موزن قوت‌ها + جمع نمرات موزن ضعف‌ها ۳.۲

ردیف	فرصت‌ها	وزن * ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	O1	۲.۵*٪۸	٪۲۰
۲	O2	۳*٪۱۰	٪۳۰
۳	O3	۳.۲۵*٪۸	٪۲۶
۴	O4	۲.۵*٪۸	٪۲۰
۵	O5	۲.۵*٪۷	٪۱۸
۶	O6	۳*٪۶	٪۱۸
۷	O7	۳.۵*٪۱۰	٪۳۵
ردیف	تهدیدها	وزن * ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	T1	۴*٪۹	٪۳۶
۲	T2	۴*٪۸	٪۳۲
۳	T3	۳.۲۵*٪۸	٪۲۶
۴	T4	۳.۷۵*٪۸	٪۳۰
۵	T5	۳*٪۶	٪۱۸

جمع نمرات موزن: جمع نمرات موزن فرصت‌ها + جمع نمرات موزن تهدیدات ۳

این نمره نشان می‌دهد که راهبردهای اخلاقی فعلی جامعه در برابر عوامل خارجی که موجب فرصت و تهدید می‌شوند واکنش متوسط رو به خوبی داشته است، ولی جای بهبود بسیار زیادی دارد و باید از فرصت‌ها بهره‌برداری بیشتری کرد و با اتخاذ راهبردهای مناسب، ضعف‌ها و تهدیدها را خنثی کرد و حتی آن‌ها را به قوت و فرصت‌ها تبدیل نمود.

تشریح خلاصه مراحل طی شده

مرحله اول: عوامل اصلی داخلی و خارجی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) را فهرست کرده و به هر کدام از عوامل یک ضریب اهمیت (از صفر تا یک) می‌دهیم، به گونه‌ای که جمع کل وزن‌ها برابر با یک شود. این ضریب بیان‌گر میزان اهمیت نسبی هر عامل برای رسیدن به اخلاق کارگزاران مطلوب است.

از آن جا که دادن ضرایب بین صفر و یک که مجموع آن‌ها یک شود در عمل مشکل است، ابتدا به هر عامل، بر اساس نظر خبرگان و متخصصان جامعه آماری این پژوهش، عددی از یک تا چهار می‌دهیم (از عدد یک برای عواملی که کمترین تأثیر و از عدد چهار برای عواملی که بیشترین تأثیر را در تدوین راهبرد دارند استفاده می‌کنیم) و سپس با تقسیم ضریب هر عامل بر مجموع امتیاز عوامل، آن‌ها را نرمالایز می‌کنیم. پس از محاسبه میانگین تأثیرگذاری کلیه قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها جدول نرمال سازی وزن را تشکیل می‌دهیم و وزن هر یک از عوامل را به دست می‌آوریم.

مرحله دوم: به هریک از عوامل برحسب میزان تطابق راهبردهای فعلی اخلاق کارگزاران در استفاده از قوت‌ها و فرصت‌ها و رفع ضعف و تهدیدها، نمره‌ای بین یک تا چهار داده‌ایم. عدد چهار به این معناست که راهبردهای فعلی در استفاده از قوت‌ها و فرصت‌ها و رفع ضعف‌ها و تهدیدها دارای واکنش عالی هستند و عدد یک به این معناست که واکنش ضعیف است. برای استفاده از نظر جامعه آماری خیره و متخصص، پرسش‌نامه‌ای تنظیم کرده و نظر جامعه مورد بررسی را در این باره جویا شده‌ایم و پس از جمع آوری، میانگین نمره هر عامل را محاسبه کرده‌ایم.

مرحله سوم: نمره هر عامل را در ضریب اهمیت آن ضرب کردیم (این کار یک نمره موزون حاصل به دست می‌دهد) و سپس نمره‌های موزون عوامل را با هم جمع نمودیم (با این عمل امتیاز موزون کل جامعه در مطالعه محیط داخلی و خارجی به دست می‌آید).

نمودار ارزیابی و تعیین موقعیت و اقدام استراتژیک راهبردهای اخلاقی زمینه‌ساز

نقاط ضعف W نقاط ضعف را فهرست کنید	نقاط قوت-S نقاط قوت را فهرست کنید	
استراتژی‌های WO منطقه محافظه کاری راهبردهای سازش و ائتلاف محافظه کاری و تعامل، تنوع، حفظ و نگهداری وضع موجود	استراتژی‌های SO منطقه تهاجمی راهبردهای رشد و توسعه حرکت‌های سریع و گسترده	فرصت‌ها-O فرصت‌ها را فهرست کنید
استراتژی‌های WT منطقه تدافعی راهبردهای عقب نشینی و رها سازی یا واگذاری	استراتژی‌های ST منطقه رقابت راهبردهای تغییر جهت یا مقابله محتاطانه رقابت و حرکت‌های توأم با ریسک	تهدیدات-T تهدیدات را فهرست کنید

ارائه راهبردهای کلان پیشنهادی اخلاق زمینه‌ساز کارگزاران در چهار حوزه (WT, WO, ST, SO)

استراتژی SO	فرصت (O)	قوت (S)
<p>۱. تئوریزه کردن اخلاق زمینه‌ساز کارگزاران و تلاش برای گسترش و جهانی‌سازی آن؛</p> <p>۲. حمایت از کشورهای اسلامی الگوپذیر از اخلاق زمینه‌ساز؛</p> <p>۳. تقویت و ترویج اخلاق ولایت‌مداری؛</p> <p>۴. تقویت و توسعه برخی از نهادهای ترویج دهنده اخلاق مذکور و گسترش دهنده آن در جهان؛</p> <p>۵. حساسیت به بیت‌المال و تلاش در تقسیم درست آن‌ها.</p>	<p>۱. الگو قرار گرفتن اخلاق برخی از کارگزاران زمینه‌ساز (حضرت امام و مقام معظم رهبری) در سایر کشورها؛</p> <p>۲. مطرح کردن حکومت حضرت مهدی <small>عج</small> به عنوان بهترین حکومت اخلاقی در جهان؛</p> <p>۳. استمرار حرکت اخلاقی زمینه‌ساز از طریق ولایت مطلقه فقیه؛</p> <p>۴. معرفی اصول فضایل اخلاقی (کارگزاران زمینه‌ساز) توسط مراجع عالیقدر و انتقال آن به سایر کشورها از طریق طلاب و دانشجویان خارجی؛</p> <p>۵. راه‌اندازی بسترهای مجازی و انتقال اصول اخلاقی زمینه‌ساز از طریق این فضا؛</p> <p>۶. نگاه برخی از کشورهای اسلامی و الگوگیری آن‌ها از نوع حکومت ایران؛</p> <p>۷. وجود متون دینی قوی و الگوهایی (از جمله پیامبر و حضرت علی <small>علیه السلام</small> و...) در این باره و الگو قرار گرفتن آن‌ها در سطح جهان.</p>	<p>۱. وجود متون غنی دینی درباره اخلاق کارگزاران در جامعه شیعی و گرایش اکثر کارگزاران به آن؛</p> <p>۲. وجود الگوهای از کارگزاران با فضایل اخلاقی ناب در طول تاریخ اسلام (برای مثال: پیامبر اکرم، امام علی، امام حسن، امام حسین <small>علیهم السلام</small> و...؛</p> <p>۳. وجود فضایل اخلاقی در شخص اول جمهوری اسلامی ایران (مقام معظم رهبری مدظله العالی) و رویکرد ایشان به برجسته‌سازی معارف مهدوی؛</p> <p>۴. توجه به نیازمندان و شکل‌گیری عدالت اجتماعی با تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال در سال‌های اخیر؛</p> <p>۵. وجود کارگزاران مقلد مراجع عالیقدر و عامل.</p>

استراتژی ST	تهدید (T)	قوت (S)
<p>۱. تدوین اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز با بهره‌گیری از متون غنی و ترویج آن در کشورهای دنیا توسط کارگزاران؛</p> <p>۲. حساسیت در انتخاب کارگزارانی که به عنوان نماینده این کشور در مجامع بین‌المللی حضور می‌یابند؛</p>	<p>۱. شکل‌گیری برخی از فرقه‌های ظاهری مثل سلفی‌ها و ارائه چهره زشت از اسلام؛</p> <p>۲. هجمه اطلاعاتی دشمنان به خصوص آمریکا و اسرائیل و تبلیغات گسترده در به تصویر کشیدن بی‌اخلاقی در فضای سایبر؛</p>	<p>۱. وجود متون غنی دینی درباره اخلاق کارگزاران در جامعه شیعی و گرایش اکثر کارگزاران به آن؛</p> <p>۲. وجود الگوهای از کارگزاران با فضایل اخلاقی ناب در طول تاریخ اسلام (برای مثال: پیامبر اکرم، امام علی، امام حسن، امام حسین <small>علیهم السلام</small> و...؛</p>

<p>۳. استفاده از ابزار تبلیغات و با بهره‌گیری از متون غنی و وجود علمای عالیقدر برای مقابله و توسعه مباحث اخلاقی در کشورهای جهان؛</p> <p>۴. تمسک به وجود الگوهایی از کارگزاران با فضایل اخلاقی برای جلوگیری از توطئه‌های دشمنان جهت اختلاف‌افکنی؛</p> <p>۵. جلوگیری از اختلافات کارگزاران و تقابل سیاسی و معطوف کردن توجهات به قشر آسیب‌پذیر جامعه.</p>	<p>۳. تلاش دشمنان اسلام در جهت ایجاد اختلاف در سطح کارگزاران و ایجاد تقابل‌های سیاسی؛</p> <p>۴. فعالیت گسترده دشمنان به منظور تخریب چهره اخلاقی اسلام از طریق تعریف پروژه‌هایی از جمله پروژه اسلام‌هراسی، حمایت از جریان‌های تکفیری و...؛</p> <p>۵. تلاش برپا ایجاد اختلاف در بین اقوام و کارگزاری از اقوام مختلف در ایران.</p>	<p>۳. وجود فضایل اخلاقی در شخص اول جمهوری اسلامی ایران (مقام معظم رهبری مدظله العالی) و رویکرد ایشان به برجسته‌سازی معارف مهدوی؛</p> <p>۴. توجه به نیازمندان و شکل‌گیری عدالت اجتماعی با تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال در سال‌های اخیر؛</p> <p>۵. وجود مراجع عالیقدر به عنوان راهنما در این زمینه.</p>
--	---	--

استراتژی WO	فرصت (O)	ضعف (W)
<p>۱. مطالعه جدی درباره اخلاق زمینه‌ساز در دانشگاه و ارائه الگوهای اخلاقی مناسب با توجه به الگوها و متون موجود؛</p> <p>۲. حمایت جدی از فیلم‌های تولید شده در این باره و حمایت از تولیدکنندگان در این زمینه؛</p> <p>۳. راه‌انداز بسترهای مجازی قوی برای فعالیت در این زمینه و معرفی اخلاق مذکور به تمام نقاط جهان؛</p> <p>۴. تدوین قوانین محکم برای جلوگیری از شکل‌گیری بداخلاقی‌ها در سطح دولت؛</p> <p>معرفی صحیح نقش ولایت مطلقه فقیه و نقش اخلاقی آن در زمینه‌سازی؛</p> <p>۵. جلوگیری از ورود برخی کارگزاران ناآشنا با مبانی اخلاقی اسلام به بدنه حکومت؛</p> <p>۶. رسیدگی جدی به وضع اقتصادی کارگزاران برای جلوگیری از تجمل‌گرایی و معطوف کردن توجهات به قشر آسیب‌پذیر.</p>	<p>۱. الگو قرار گرفتن اخلاق برخی از کارگزاران زمینه‌ساز(حضرت امام و مقام معظم رهبری) در سایر کشورها؛</p> <p>۲. مطرح کردن حکومت حضرت مهدی <small>عج</small> به عنوان بهترین حکومت اخلاقی در جهان؛</p> <p>۳. استمرار حرکت اخلاقی زمینه‌ساز از طریق ولایت مطلقه فقیه؛</p> <p>۴. معرفی اصول فضایل اخلاقی (کارگزاران زمینه‌ساز) توسط مراجع عالیقدر و انتقال آن به سایر کشورها از طریق طلاب و دانشجویان خارجی؛</p> <p>۵. راه‌اندازی بسترهای مجازی و انتقال اصول اخلاقی زمینه‌ساز از طریق این فضا؛</p> <p>۶. نگاه برخی کشورها و الگوگیری آن‌ها از نوع حکومت ایران؛</p> <p>۷. وجود متون دینی قوی و الگوهایی (از جمله پیامبر و حضرت علی <small>ع</small>) و... در این باره و الگو قرار گرفتن آن‌ها در سطح جهان</p>	<p>۱. مشارکت فعال نداشتن دانشگاه‌ها در این باره و ترویج اخلاق کارگزاران زمینه‌ساز در سراسر جهان؛</p> <p>۲. ضعف برخی نهادی بانی از جمله حوزه‌های علمیه در ترجمه و تکثیر این فضایل اخلاقی به زبان‌های رایج دنیا؛</p> <p>۳. وارد نشدن تولیدکنندگان فیلم و... به زمینه‌های اخلاقی کارگزاران؛</p> <p>۴. تضعیف به امر به معروف و نهی از منکر در بین کارگزاران؛</p> <p>۵. برخورد و برداشت ظاهری از متون غنی دینی؛</p> <p>۶. تجمل‌گرایی برخی از کارگزاران در نظام جمهوری اسلامی ایران؛</p> <p>۷. کشمکش‌های سیاسی و بداخلاقی برخی کارگزاران در سطح دولت برای دست‌یابی به قدرت؛</p> <p>۸. حضور کارگزاران تحصیل کرده در کشورهای اروپایی آشنایی کم آن‌ها با متون دینی.</p>

ضعف (W)	تهدید (T)	استراتژی WT
۱. مشارکت فعال نداشتن دانشگاه‌ها در این باره و ترویج اخلاق کارگزاران زمینه ساز در سراسر جهان؛	۱. شکل‌گیری برخی از فرقه‌های ظاهری مثل سلفی‌ها و ارائه چهره زشت از اسلام؛	۱. فعالیت جدی دانشگاه‌ها در زمینه‌های اخلاقی و ارائه مقالات مرتبط در سراسر دنیا برای خنثی‌سازی فعالیت‌های فرقه‌های ظاهری؛
۲. ضعف برخی نهادی بانی از جمله حوزه‌های علمیه در ترجمه و تکثیر این فضایل اخلاقی به زبان‌های رایج دنیا؛	۲. هجمه اطلاعاتی دشمنان به خصوص امریکا و اسرائیل و تبلیغات گسترده در به تصویر کشیدن بی‌اخلاقی در فضای سایبر؛	۲. احساس مسئولیت جدی توسط نهادهای مسئول برای تقویت پایه‌های اخلاقی کشور؛
۳. وارد نشدن تولیدکنندگان فیلم و ... به زمینه‌های اخلاقی کارگزاران؛	۳. تلاش دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف در سطح کارگزاران و ایجاد تقابل‌های سیاسی؛	۳. انتخاب کارگزاران تیزبین برای اعزام به کشورهای جهان؛
۴. تضعیف به امر به معروف و نهی از منکر در بین کارگزاران؛	۴. تلاش و فعالیت گسترده توسط دشمنان و تعریف پروژه‌های از جمله پروژه اسلام‌هراسی؛	۴. تدوین پروژه‌های خنثی‌سازی در مقابل پروژه‌های اسلام‌هراسی به خصوص در زمینه‌های اخلاقی؛
۵. برخورد و برداشت ظاهری از متون غنی دینی؛	۵. تلاش برای ایجاد اختلاف در بین اقوام و کارگزارانی از اقوام مختلف در ایران.	۵. توجه جدی کارگزاران به بحث امر به معرف و نهی از منکر.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده، باید گفت وقت ظهور، به عوامل و زمینه‌هایی بستگی دارد که از آن جمله، خواست مردم (کارگزاران)، انصاف، عدالت خواهی، اعتدال و اخلاقیات و ... در جامعه است. تا جامعه و حکومت طالب نباشند، زمینه‌سازی برای ظهور منجی عالم صورت نخواهد گرفت و در این میان یکی از مهم‌ترین معیارهای زمینه‌سازی بحث اخلاقیات است، به خصوص اخلاق کارگزاران؛ کارگزارانی با اخلاق زمینه‌ساز، کارگزارانی هستند که ظرفیت تحمل حاکمیت امام عصر عجله و بسط ید او را در خود فراهم کرده و مهبیای پذیرش ولایت معصوم هستند. مسیر دست‌یابی به سطح عالی این ظرفیت، التزام این کارگزاران به مسئولیت‌های اخلاقی مبتنی بر الگوهای اخلاقی زمینه‌ساز با هدف فراهم کردن بسترهای ظهور امام زمان عجله است. بر اساس نتایج و راهبردهای اتخاذ شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بهره‌گیری از فضایل و سجایای اخلاقی می‌تواند به عنوان نقطه قوت کلیدی کارگزاران برای پوشش نقاط

ضعف آن‌ها به شمار آمده (راهبرد ST) و پس از عبور از این مرحله و استحکام اخلاقی درونی کارگزاران است که می‌توان راهبردهای SO را به منظور زمینه‌سازی جامعه منتظر در عصر انتظار دنبال کرد. اگر کارگزاران نسبت به انجام وظایفی که نسبت به جامعه منتظر دارند و نیز مسئولیت‌هایی که نسبت به امام خود بر عهده آنان است، متعهد باشند و این همه را آگاهانه و با هدف رسیدن به ظرفیت همراهی با معصوم انجام دهند، به عالی‌ترین سطح زمینه‌سازی دست یافته‌اند.

منابع

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۶ ش)، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- احمدمهرابی، خدیجه (زمستان ۱۳۷۹ ش)، «اخلاق سیاسی اجتماعی کارگزاران در نهج البلاغه»، فصل نامه ندای صادق، شماره ۲۰، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (تابستان و پاییز ۱۳۸۲ ش)، «مؤلفه های سیاست اخلاقی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام»، دوفصل نامه دین و ارتباطات، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۱۸ و ۱۹.
- اسفندیاری، رضا (تابستان ۱۳۸۸ ش)، «سیره مهدوی و دولت منتظر»، فصل نامه مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۰، قم، مؤسسه آینده روشن.
- اسلامی، حسن، دروغ مصلحت آمیز؛ بحثی در مفهوم و گستره، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- افلاطون (۱۳۷۴ ش)، جمهور، ترجمه: فؤاد روحانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ایوب، سعید (۱۳۷۸ ش)، از زرقای فتنه ها، ترجمه: سید حسن اسلامی، قم، مرکز بررسی های اسلامی الغدیر.
- پورسیدآقایی، سید مسعود (تابستان ۱۳۸۸ ش)، «زمینه سازی ظهور»، فصل نامه مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۰، قم، مؤسسه آینده روشن.
- پولائینی، مایکل (۱۳۷۶ ش)، «فرانسوی نیهیلیسم»، مجموعه مقالات خرد و سیاست، تهران، انتشارات طرح نو.
- پونتارا، جولیانو (۱۳۷۰ ش)، «اخلاق، سیاست، انقلاب»، فصل نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۱ و ۲.
- توسیدید (۱۳۷۷ ش)، تاریخ جنگ پلوپونزی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- حسینیان، لیلیا (۱۳۸۶ ش)، «مهدویت، معنویت و جهانی شدن»، مجموعه آثار سومین همایش بین المللی دکتترین مهدویت (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول.
- حکمت نیا، محمود (خرداد ۱۳۸۴ ش)، «اخلاق حکومتی / اخلاق کارگزاران از منظر امام خمینی رهبر»، گنجینه، شماره ۵۲.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۳ ش)، اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دنبلی، مهرناز (۱۳۸۱ش)، *دستورات اخلاقی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کارگزاران*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصول دین.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۱ش)، *اخلاق کارگزاران*، تهران، انتشارات دانش و اندیشه معاصر.
- راسل، برتراند (۱۳۷۶ش)، «اخلاق فردی و اجتماعی»، *مجموعه مقالات خرد و سیاست*، تهران، انتشارات طرح نو.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۱ش)، *اخلاق سیاسی (چشم‌انداز امام علی علیه السلام)*، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- الزین، حسن (۱۹۹۴ق)، *الامام علی بن ابی طالب و تجربه الحکم*، بیروت، انتشارات دارالحدیث.
- سادات بهشتی، مصطفی (۱۳۸۷ش)، *بررسی اثربخشی مبحث اخلاق کارگزاران در دوره‌های آموزشی کوتاه مدت مدیریت پایه*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳ش)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- عرفانی، قاسم (۱۳۸۶ش)، «جهانی‌شدن و دکتترین مهدویت»، *مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت (ج ۲)*، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۷ش)، «چهار الگوی برقراری نسبت میان اخلاق و سیاست»، ماه‌نامه *آیین*، شماره ۱۳ و ۱۴، تهران، جبهه مشارکت ایران اسلامی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه: علی نقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام.
- _____ (۱۳۸۲ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه: علی اصغر فقیهی، قم، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم.
- قمی، عباس (۱۳۶۸ش)، *الکنى واللقاب*، تهران، انتشارات مکتبه الصدر.
- قنبری، محسن (۱۳۸۶ش)، «وظایف استراتژیک دولت زمینه‌ساز»، *مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت (ج ۲)*، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰ش)، *صلح پایدار*، ترجمه: محمد صبوری، تهران، انتشارات به‌باوران.
- کزنستن، موریس (۱۳۷۶ش)، «هانا آرنست»، *مجموعه مقالات خرد در سیاست*، گردآوری و ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات طرح نو.

- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۴ش)، شهریار، ترجمه: داریوش آشوری، تهران، انتشارات کتاب پرواز.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، انتشارات مؤسسة الوفاء، چاپ دوم.
- محمودی، محمدباقر (بی تا)، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، دارالتعارف.
- معین، محمد (۱۳۷۱ش)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- مفضل بن عمر، الجعفی (۱۴۰۴ق)، التوحید، تحقیق: کاظم المظفر، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش)، زندگی در پرتو اخلاق، قم، انتشارات نسل جوان.
- نراقی، احمد (۱۳۷۶ش)، معراج السعادة، قم، انتشارات هجرت.
- واعظی، احمد (۱۳۸۱ش)، حکومت اسلامی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- هانری دوفوشه کور، شارل (۱۳۷۷ش)، اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، ترجمه: محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح بخشان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

